

جنگ - کشتار در جبهه ها، کشتار در شهرها

* دهماه از سرباز ایرانی و عراقی در "دریاچه ماهی" به قتل رسیدند
* پرتاب موشک زمین به سوی بغداد همچنان ادامه دارد
* درد و وجدید بمباران شهرهای ایران ۲۰۰۰ تن کشته شدند



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۹ دی ۱۳۶۵ برابر ۱۹ ژانویه ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۴۱

از مقاومت فدائیان خلق در زندان پشتیبانی کنیم!

گزارشهای دریافتی حاکی است که شکنجه وحشیانه آن عده از فدائیهایی که در بوشهر گترده تابستان امسال به جنگ ارگانهای سرکوب افتاده اند، در زندانهای رژیم بلاوقفه ادامه دارد. خبرها حاکی است تعدادی از فدائیان اسیر در اثر شدت شکنجه در حالت مرگ قرار گرفته اند و چندین نفر از اینان به بیمارستان منتقل شده اند تا برای آماده شدن جهت شکنجه های بیشتر، مداوا شوند. خبرهای دیگری نیز دال بر کشته شدن چند تن از رفقای ما بر روی تخت های شکنجه است که رفیق مسعود ناصر حتی از جمله آنان بود. نشانه هایی نیز وجود دارد که رژیم در تدارک اینست که موج اعدامهای دسته جمعی براه اندازد، تا ضمن انتقام گرفتن از این رزمندگان راه رهایی خلق که در زندانها نیز در برابر مهیب ترین شکنجه های دژخیمان پایمردانه از آرمانهای انقلابی و از شرافت خویش پاسداری می کنند، دیگر زندانیان را مرعوب ساخته و به تسلیم بکشاند.

رژیم که در سرکوب سازمان ما تا تکنیک "سرکوب در تاریکی" را برکزیده، در مواجهه با فدائیان اسیر نیز، همه تلاش خود را به کار گرفته است، تا شکنجه و کشتار را در تاریکی انجام دهد. به این خاطر سعی می کند امکان در زهر خبری پیرامون وضعیت فدائیان خلق در زندان را ناممکن سازد. در تهران فدائیان دستگیر شده را در سلولهای انفرادی زندان مخوف بند ۲۰۰ (کمپته بقیه در صفحه ۲

بود، کربلای ۵ تداوم یافت و به صورت تصاعدی بر کشته های جبهه جنوبی افزود. کربلای ۵ به ویژه از شب شنبه ۲۷ دی مجدداً اوج گرفت. در پی این حمله در بیانیه های نظامی جمهوری اسلامی از کشتن و زخمی کردن ۲۵۵۰۰ سرباز عراقی و در بیانیه های نظامی عراق از کشتن ۴۰۰۰۰ سرباز ایرانی در منطقه ای که کانون آن "دریاچه ماهی" در محور شلمچه واقع در ۲۲ مایلی جنوب شرقی بصره است، سخن گفته شد. کشتار در منطقه همچنان ادامه دارد. رفسنجانی بعنوان سخنگوی شورای عالی دفاع در نماز جمعه تهران بر ضرورت تداوم حمله و کشتار در این منطقه تاکید کرد. بقیه در صفحه ۲

رفسنجانی در همان حالی که از "تعیین سرنوشت جنگ" سخن گفت بی سرانجامی حملات اخیر را پذیرفت. او ادعا کرد که در حملات اخیر، هدف تصرف بصره نبوده است. این داعیه تنها می تواند آخوندهای حوزه علمیه قم را بفریبد.

در روز چهارشنبه ۲۴ دی جمهوری اسلامی دست به حمله تازه ای در جبهه مرکزی زد. بر این حمله که در منطقه سومار متمرکز بود کربلای ۶ نام نهادند. با این حمله تنها خواستند از فشار عراق در جبهه جنوبی بکاهند. پس از این حمله، که مصرف تبلیغاتی داشت و تنها حاصل آن اختصاص سهمیه ای از کشته های پشته شده به جبهه مرکزی

"در اینجا سرنوشت نهایی جنگ تعیین می شود". این جمله را هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه روز ۲۶ دی پس از توصیف اهمیت بصره و موج کشتاری که با هدف بوج تصرف آن به پا شده است، بیان کرد. اظهاراتی از این قبیل نشان دهنده اهمیت است که جمهوری اسلامی به حملاتی که از شب پنجشنبه ۴ دی آغاز کرده است، می دهد.

کربلایهای ۶، ۵، ۴ آخرین حد تلاش جمهوری اسلامی برای دست زدن به حمله نهایی ادعایی است. رژیم این حملات را با این نیت آغاز کرد که حمله نهایی باشند. نهایت تلاش رژیم چه شد؟ کشته هایی که فزون از شمار کشته اند.

معاملات ۵ ساله تسلیحاتی فرانسه و جمهوری اسلامی برملا شد

رسانه های گروهی بورژوازی فرانسه مسکوت گذاشته شد و دنبال نکردید. اکنون پس از دو سال، مجله دست راستی اکسپرس گزارشی در این باره منتشر ساخته است. می توان این احتمال را قائل گردید که محافل دست راستی حاکم بر فرانسه، خود ترتیبی داده اند که این اخبار فاش گردد تا نشان دهند سیاست نزدیک تر کردن و علنی کردن روابط گسترده فرانسه با جمهوری اسلامی، نه ترس دولت شیراک، بلکه از هنگام حکومت سوسیالیستها آغاز شده است. اکسپرس می نویسد حتی پس از درج خبر مزبور در بقیه در صفحه ۲

شربورگ فرانسه نوشت که خبرنگارانش انتقال مهمات به کشتی های خارجی را در این بندر تعقیب کرده اند و دنبال تحقیقاتی از دفتر بیمه لویدز در لندن، بی برده اند که مقصد این کشتی ها بندر عباس است. ظاهراً کشتی ها شربورگ را به مقصد برزیل، تایلند، پرو و بنگلادش ترک کردند، اما در برخی از این کشورها خمپاره گالیبر ۲۰۲ میلیمتری که از زمره مهمات بارگیری شده بود، مورد استفاده نیست.

گزارش روزنامه محلی چاپ شربورگ در آن هنگام - دو سال پیش - به عمد از سوی سایر

مجله فرانسوی اکسپرس در شماره ۱۶ ژانویه خود گزارش داد شرکت اسلحه سازی فرانسوی "لوشر" در فاصله ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ جمعاً حدود ۵۴۰ هزار خمپاره کالیبر سنگین با اطلاع و اجازه شارل ارنو وزیر دفاع وقت فرانسه به ایران فروخته است. به گزارش اکسپرس، دولت شیراک نیز از هفته ها پیش بر اساس یک گزارش داخلی دولتی از این ماجرا اطلاع حاصل کرده است، اما هنوز در این باره سکوت می کند.

دو سال پیش، در اوایل سال ۱۹۸۵، روزنامه محلی "لاپرس دلامانش" چاپ بندر

آرمان ۲۲ ریبه ندان: مشعلی همیشه فروزان

کردستان از آغاز خاری در چشم ارتجاع به تخت نشسته پس از سقوط حکومت پهلوی بود. حکومت خمینی نخست چهره کریه خود را در کردستان با وضوح تمام به نمایش نهاد. نوروز خونین سنندج، نوروز ۵۸. خینی از عمان آغاز سرکوب کردستان را در بقیه در صفحه ۸

کردستان: سرزمین رنج و رزم
در صفحه دشت می خوانید

آنکاه که جنبش خلق کرد همکام با مبارزات سرتاسری مردم ایران در جریان سرکونی رژیم سلطنتی و به دنبال به خاک سپردن این رژیم، فصل تازه ای را آغاز کرد، توانمندی عظیم خود را با وضوح بیشتری به نمایش نهاد. این جنبش هم در عق و هم در سلح گسترش یافت. ۴۱ سال پیش صدای قاضی محمد به زحمت از مهاباد و اطراف آن فراتر رفته بود. اما در جریان انقلاب بهمین و پس از آن هر شهر و روستای کردستان حکم مهاباد را یافت.

دوم بهمن (۲۲ ریبه ندان) سالگرد تاسیس جمهوری خودمختار کردستان است. اکنون ۴۱ سال از آن روز تاریخی می گذرد که قاضی محمد و یارانش تاسیس جمهوری مهاباد را اعلام نمودند. اگرچه این جمهوری زیر چکمه ارتش شاهنشاهی از پا درآمد، اما آرمان تاریخی ۲۲ ریبه ندان همواره پابرجا ماند و چونان مشعلی همیشه فروزان در فرا راه مبارزات خلق کرد قرار گرفت. این آرمان تعمیق یافت و مضامین اجتماعی آن مدام پورنتگر شد. و

در این شماره

- معنای آموختن کمونیسم
مقاله ای از لنین در صفحه ۷
- زندانیان سیاسی باسینه فراخ
در برابر سرنیزه دشمن در صفحه ۳
- از رنج "ضبی" ها
در صفحه ۱۴
- زنان در نبرد برای صلح و دموکراسی
در صفحات ۱۲ و ۱۳
- در این بن بست
شعری از احمد شاملو در صفحه ۱

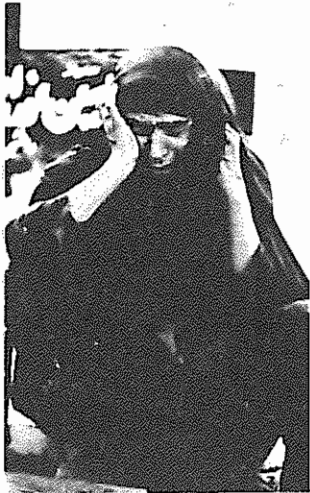
جنگ - کشتار در جبهه ها ، کشتار در شهرها

بقیه از صفحه اول

جنگ شهرها

جمهوری اسلامی در روز یکشنبه ۲۱ دی بغداد را مورد حمله موشکی قرار داد. دو روز بعد دومین موشک و سه روز بعد سومین موشک پس از آغاز موج کشتار تازه به سوی بغداد شلیک شد. در روز جمعه ۲۶ دی دو موشک دیگر به سوی این شهر پرتاب گردید. بصره نیز همچنان از سوی جمهوری اسلامی خمپاره باران می شود. رژیم

چنانیکار عراق به نوبه خود در هفته گذشته شهرهای قم، تهران، اصفهان، کوهدشت لرستان، ایلام، اصفهان، دزفول، همدان، خرم آباد و باختران را مورد حمله قرار داد. تعداد کشته های حاصل از بمباران اخیر شهرهای خرم آباد و کرمانشاه، به ترتیب ۹۰ نفر و ۸۰ نفر بوده است، بنا بر خبر دولتی در اصفهان یکبار ۱۲ نفر بار دیگر ۵ نفر و در دزفول ۲ نفر کشته شده اند. قم تاکنون چهار بار مورد حمله قرار گرفته است.



خبر مرگ نوجوانش را آورده اند.

اسلامی علی رغم دادن سنگین ترین تلفات در جبهه جنوبی، همچنان چشم به بصره دارد. رژیم در جریان عملیات کربلا نام دهها هزار کشته و مجروح را در پرونده جنایات خود ثبت کرد. اکنون سران رژیم و فرماندهان نظامی آن می خواهند شکست عملیات کربلا را با کشته های بیشتر ببوشانند. رژیم ماهها برای دستیابی به درشت ترین ارقام در سیاهه کشته شدگان و مجروحین بسیج کرده است و از همپنرومیزان کشته های فعلی راهمخوان با تبلیغات جنگی خود نمی داند. تبلیغ بر روی بسیج نیرو همچنان ادامه دارد. فشار برای اعزام جبهه بالا گرفته است. دهان کشاده مرگ در جبهه ها انتظار کشته های بیشتری را می کشد.

هواییمای عراقی در پیش از ظهر روز شنبه ۲۷ دی بمبهای خود را در تهران فرو ریختند. رادیوی دولتی تهران تعداد کشته های ناشی از این بمباران را ۲۱ نفر اعلام کرد. در مجموع تا روز ۲۵ دی تعداد کشته های ناشی از بمباران شهرهای ایران پس از آغاز موج جدید کشتار، دوهزار نفر برآورد شده است. تعداد مجروحین چندین برابر این رقم است.

آخرین خبرها حاکی است که در بمباران تهران، محله ولنچک در شیران مورد اصابت موشک قرار گرفته است. صبح یکشنبه شهرهای اصفهان، تبریز و دزفول بمباران گردیدند و نیروهای مسلح رژیم در همین روز بصره و خانقین را به موشک بستند.

جنگ در دریا نیز شدت گرفته است. عراق تقریباً هر روز از حمله به "هدفهای بزرگ دریایی" و جمهوری اسلامی از حمله به کشتی ها و بازرسی و توقیف آنها سخن می گوید.

تد اوام کشتار

در روز سه شنبه هفته گذشته عراق اعلام کرد که بر جبهه جنوبی کاملاً مسلط گشته و نیروهای جمهوری اسلامی را از دریاچه مامی به عقب رانده است. بنا بر اطلاعیه رژیم بغداد اکنون کائون نبرد در محور شلمچه، ۲۲ کیلومتر با بصره فاصله دارد. جمهوری

معاملات ۵ ساله تسلیحاتی فرانسه و جمهوری اسلامی

بوملا شد

بقیه از صفحه اول

عرصه بین المللی نیز فرانسه بعنوان یکی از حامیان عراق در جنگ با جمهوری اسلامی شناخته شده بود. اینک آشکار می گردد فرانسه در آن واحد هم به رژیم خمینی و هم رژیم صدام سلاح تحویل داده است. از این لحاظ نیز سیاست آمریکا و فرانسه و دیگر کشورهای امپریالیستی بر هم منطبق بوده و هست. تامین دو طرف جنگ با سلاح و تجهیزات بتوجه ای که جنگ هر چه بیشتر ادامه یابد.

علنی شدن روابط تسلیحاتی فرانسه و جمهوری اسلامی بدنبال نزدیکی سیاسی دو دولت و کامیابی که از آغاز سال ۱۳۶۵ در جهت بهبود روابط دو جانبه برداشته شد، مرحله جدیدی در گسترش این روابط است.

روزنامه محلی "لاپرس دلامانش" نیز شرکت لوشر در ارسال مهمات به بندرعباس با مانهی مواجه نگردید. شارل ارنو وزیر دفاع وقت، آلن توره از مدیران شرکت لوشر را به سمت مشاور خود منصوب کرده بود. وی همچنین میتران رئیس جمهور فرانسه را نیز در جریان فروش خمپاره به جمهوری اسلامی گذاشته بود.

اکسپرس سابقه روابط تسلیحاتی شرکت لوشر با جمهوری اسلامی را از سال ۱۹۸۲ ذکر می کند.

رژیم خمینی طی سالهای اخیر علیه دولت فرانسه به خاطر فروش سلاحهای فرانسوی به عراق مدام پرخاشگری می کرد. در

بزرگداشت شهدای دبیرستان مدرس منطقه ۱۲

زمان: ۱۵ دیماه ۶۵ ساعت ۲ بعد از ظهر
مکان: خیابان مجاهدین اسلام کوی قائم دبیرستان مدرس

قربانیان جنگ، تنها از یک دبیرستان در جنوب تهران

زندانیان سیاسی باسینه فراخ در برابر سرنیزه دشمن

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی بمقابله تجلی پرشکوه مقاومت و رزم فرزندان اسیر خلق جایگاه برجسته‌ای را در مبارزات کنونی مردم مابه خود اختصاص می‌دهد. در شکنجه‌گاه‌های رژیم که کشتن و کوفتن و مثله کردن از عادی‌ترین امور است، در زندان‌های حکومتی که سعیت و درنده خوبی را مرزی نیست، این اعتصاب غذا خود نشانی از خشم مقدس خلقی در زنجیر و درجه کین مردم نسبت به رژیم سرکوبگر و ارتجاعی است. این دلآوری را پاس داریم و با تمام توان در حمایت از فرزندان اسیر خلق بکوشیم. نشریه اکثریت که اولین نشریه‌ای بود که خبر اعتصاب دلبرانه زندانیان سیاسی را منتشر کرد، علیرغم دشواریهایی که برای کسب خبر پیرامون این اعتصاب - بویژه بخاطر قطع ملاقات زندانیان - وجود داشت، کوشیده است در هر شماره اخبار بیشتر و تازه‌تری از این حرکت در اختیار خوانندگان بگذارد. اکنون وقتیکه به اخبار منتشره نگاه می‌کنیم خرسند هستیم که مجموعه آنها - به استثناء یک مورد - از دقت قابل قبولی برخوردار بوده است. مورد مزبور هم مربوط به خبری بود که بطور فشرده

شرکت زندانیان منتقل شده از قزل حصار به اوین در اعتصاب غذا را توضیح می‌داد که از جانب مابصورت شرکت زندانیان قزل حصار در اعتصاب برداشت و نقل شده است. آخرین گزارشهایی که بدست ما رسیده است، دارای شرح دقیقتری از نحوه شکل‌گیری و پیشرفت این اعتصاب و خواسته‌های اعتصاب کنندگان است که جهت آگاهی خوانندگان درج می‌شود: اعتصاب غذا توسط ۵۰ نفر از زندانیان بند ۲ زندان اوین که به سلول‌های انفرادی انتقال یافته بودند، آغاز گشت. در راستای تشدید فشار بر زندانیان سیاسی، این عده در روز ۶ آبان به انفرادی برده شدند. آنان با شجاعت ستایش انگیزی، در سلول‌های انفرادی، چائیکه هر مبارز خود به تنهایی و در روی دشمن درنده خود قرار دارد، از همان روز ۶ آبان در واکنش نسبت به این رفتار رژیم، دست به اعتصاب غذا زدند. زندانیان از خوردن هر نوع غذایی خودداری کرده و تنها از آب نوشیدنی‌های دیگر استفاده می‌کردند. علیرغم تهدیدات زندانبانان، زندانیان انفرادی با روحیه‌ای

استوار به اعتصاب خود ادامه دادند. اعتصاب غذای این ۵۰ مبارز مدت ۲۴ روزه درازا کشید. در طول اعتصاب غذا هر یک از مبارزین اعتصابی بیش از ۱۵ کیلو کاهش وزن داشتند. آنان که خود از بیماریهای گوناگونی رنج می‌برند، بخاطر ضعف بدنی ناشی از اعتصاب غذا در خطر جدی مرگ قرار گرفتند. رژیم که پس از تهدیدات اولیه، کوشید با نشان دادن بی‌توجهی به این اعتصاب و وضعیت جسمی زندانیان اعتصابی، آنان را از ادامه این حرکت مایوس نماید، در پایان آبان ماه، پس از ۲۴ روز و در حالیکه زندانیان در حال مرگ بودند، آنان را به بیمارستان منتقل کرد و در بیمارستان به اجبار به آنان غذا خوراندند و سرم غذایی وصل کردند و سپس از طرف دادستانی رژیم با زندانیان اعتصابی به مذاکره نشستند. در پاسخ پرسش زندانیان که چرا ما را به انفرادی منتقل کرده‌اید مامورین گفتند شما خیال شورش داشتید. تقریباً همزمان با زندانیان سلول‌های انفرادی، زندانیان بند ۲ زندان اوین نیز در همبستگی با آنها و

در اعتراض به تضییقات تازه زندانبانان دست به اعتصاب غذا زدند. آنان از خوردن غذای گرم خودداری کردند. همانگونه که قبلاً گزارش شد، اعتصاب غذا در بند ۲ به دنبال آوردن سه تن از توابعین به داخل این بند آغاز شد. زندانیان مبارز به آوردن توابعین به داخل بند ۲ اعتراض داشتند. بر مسئول بند نیز بین زندانیان و زندانبانان درگیری وجود داشت. سرپرستی زندان، یک تن از ایادی خود را از میان زندانیان عادی به نام حاجی رضایی که فردی هرزه و چاقوکش بود مسئول انجام امور جاری زندان همچون تقسیم غذا کرده بودند.

به دنبال آغاز اعتصاب غذا تشدید فشار بر زندانیان و اقدامات سرکوبگرانه جهت مقابله با این حرکت شجاعانه زندانیان تدارک دیده شد، در شماره‌های گذشته نشریه مواردی از این اقدامات تشریح شد. اما نه ضرب و جرح زندانیان سیاسی توسط اوباش چاقوکش زندان عادی، نه انتقال عده از زندانیان بند ۲ به سالن شماره یک و نه شکنجه و تهدید... هیچکدام نتوانست بر اراده استوار و مبارزه متعهد زندانیان سیاسی خللی وارد آورد. سرانجام اعتصاب غذا با پیروزی نسبی زندانیان خاتمه یافت و برخی از خواسته‌های آنان پذیرفته شد.

از جمله خواسته‌های زندانیان مبارز اعتصابی این بود که بعنوان زندانی سیاسی شناخته شوند، مامورین متعهد شوند به آنها امانت نکنند، حق وارد ساختن کتاب به زندان را داشته باشند و...

در نتیجه اعتصاب غذا، توابعین و زندانیان عادی از بند بیرون برده شدند، زندانیان سلول‌های انفرادی با خانواده‌های خود ملاقات کردند مسئولیت اداره امور روزمره را خود زندانیان برعهده گرفتند. اما آخرین گزارشها حاکی است که هنوز زندانیانی که به انفرادی برده شده بودند به بند ۲ بازگردانده نشدند. مبارزه شکوهمند زندانیان سیاسی، دو وظیفه را با وضوح بیشتری نمایان ساخت: وظیفه حمایت مداوم از دل‌ورانی که زنجیر بردست باسینه فراخ در برابر سرنیزه و گلوله و شلاق دشمن ایستاده‌اند و وظیفه آموختن از رزمجویی، استواری، همبستگی و اتحاد آنان، در این رزم سترگ این وظایف را بشناسیم و بدان‌ها عمل کنیم.

اقدامات رژیم علیه فدائیان خلق در بلوچستان

از کلیه کسانی بود که به عنوان هوادار رسمی مبارزاتی سازمان شناخته شده بودند. تنها در شهر زاهدان در اوایل آبان ماه از سوی اکیپ اعزامی از تهران ۱۸۰ تن از هواداران سازمان دستگیر و با احضار شدند. نام عقیده این افراد پیش از این توسط جاسوسان رژیم گزارش شده بود. این افراد در محل سیاه پاسداران مورد بازجویی قرار گرفتند. از آنان از جمله سؤال شد: کجا کار می‌کنید؟ رابطه شما با سازمان چگونه است؟ باچه کسانی از سازمان در ارتباط قرار دارید؟ مواضع فعلی سازمان را چگونه می‌بینید؟ مامورین در بازجویی‌ها نام تعدادی از فعالین شناخته شده سازمان را برده و جویای هرگونه رد و نشان از محل زندگی و کار آنان شدند.

از مقاومت فدائیان...

بقیه از صفحه اول

مختلطاً به بند کشیده‌اند. جزد موارد بسیار محدود به میج یک از آنان در طی این مدت طولانی اجازه ملاقات با اعضا خانواده‌شان را نداده‌اند. در راه انجام وظایف انقلابی خویش، در راه پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران و در مقابله با رژیم‌های که ددمنشانه‌ترین اشکال سرکوب را به کار می‌گیرند، به دفاع از فدائیان اسیر برخیزیم! بی‌گمان رژیم ولایت فقیه بسیار خرسند خواهد شد هرگاه به وی فرصت داده شود که سرکوب و شکنجه و کشتار را در تاریکی و سکوت انجام دهد. دشمن را در بهره‌گیری از این شرکد ناکام گذاریم. این وظیفه هر آن نیرویی است که در راه آرمانهای شریف پیکار می‌کند و هر آن کسی است که دل با مردم دارد.

رساتر باد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

بودجه جاری سه برابر بودجه عمرانی

وزیر برنامه و بودجه جمهوری اسلامی در شرایطی از افزایش مالیات‌ها سخن می‌گوید که بنا به گزارش قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی، میزان مالیات‌ها در ۹ ماهه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۴ درصد افزایش داشته است. قائم مقام وزارت امور اقتصادی و دارایی همچنین افزود که وزارت مزبور در سال جاری محاسبه "طرفیت با نفع مالیه‌ای کشور" را آغاز کرده و تصریح نمود: "در این محاسبات نشان داده شده که طرفیت مالیه‌ای کشور بیش از آن چیزی است که در سال گذشته بدست آمد."

باید خاطر نشان ساخت که درآمد مالیاتی جمهوری اسلامی در سال گذشته از سوی مسئولین ۲۲ میلیارد ریال اعلام شده است.

راه اندازی طرح‌های عمرانی مشروط به دریافت مالیات ویژه است

بودجه سال ۶۵، دولت اجرای پروژه‌های عمرانی را منوط به تامین نیمی از هزینه این پروژه‌ها توسط مردم و اهالی منطقه نموده بود. بدین ترتیب در سال آتی دولت با دریافت مالیات‌های ویژه از اهالی یک منطقه، مبادرت به انجام پروژه‌های عمرانی خواهد نمود.

لایحه تشکیل دادگاه غنائم جنگی

شورای عالی قضایی متذکر شد: "جمهوری اسلامی حق خود می‌داند تا شناسایی را که برای دشمن کالا و یا تجهیزات محل می‌کند توقیف و مصادره نماید."

باید خاطر نشان ساخت که اخیراً ناخدا ملک زادگان فرمانده نیروی دریایی جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی از این پس کشتی‌های حامل کالا برای عراق را در آبهای بین‌المللی و یا حتی در سواحل کشورهای همسایه مورد توقیف و بازرسی قرار خواهد داد.

مباحثات برادرانه فلانها

می‌پرید، چرا شماها خد بازی می‌کنید؟ چرا به خاطر افراد دارید خطبازی می‌کنید..."
علوی تبار: "هیچ ارگانی حق تضعیف مجلس را ندارد، این تمام شد، کمیسیون اصل نود آمده با گزارش کذب مجلس را فریب داده (آقای کروبی: آقای علوی، جناب آقای علوی) در نتیجه این آبروی مجلس را برده آقای آبروی مجلس را برده. کروبی: "میکروفون آقای علوی را خاموش کنید، آقای موحدی، آقای علوی، آقای جعفری بناب بنشین، آقای موحدی می‌خواهی داد و بیداد کنی برو بنشین، داد و بیداد کن، شما هم برو پائین بنشین داد و بیداد کن!"

محمد یزدی: "در مجلس وزیر نمی‌تواند بیاید بگوید، مجلس غلط کرده و خلاف کرده، این بدترین برخورد هاست، و چنین حقی را قطعاً ندارد، این باید برود دادگاه، دادگاه رسیدگی کند."

رسالت ۱۷ دیماه - زنجانی وزیر برنامه و بودجه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی برخی دیگر از ویژگی‌ها و اولویتهای بودجه کل کشور در سال ۱۳۶۶ را اعلام کرد. وی فاش ساخت که در سال ۶۶ حدود نیمی از درآمدهای منظور شده در لایحه بودجه از طریق مالیات‌ها تامین خواهد شد. وی سهم هر یک از اقلام درآمدی بودجه سال آتی را چنین عنوان نمود: "بودجه سال ۶۶ بر اساس ۵۰ درصد درآمدهای مالیاتی، ۲۰ درصد درآمدهای نفتی و ۲۰ درصد نیز از محل سایر درآمدها تنظیم شده است." وی در رابطه با سهم بودجه‌های جاری و عمرانی در لایحه بودجه سال ۶۶ گفت: "از بودجه عمومی کشور ۷۲ درصد به بودجه جاری و ۲۴ درصد به بودجه عمرانی اختصاص داده شده است."

کیهان ۱۸ آذر - هیات وزیران جمهوری اسلامی به ریاست خامنه‌ای رئیس جمهور و با حضور موسی نخست وزیر تشکیل جلسه داد. در این جلسه اعلام شد که از این پس هزینه طرح‌های عمرانی و استانی هر چه بیشتر از طریق مالیات اهالی منطقه تامین خواهد شد. باید خاطر نشان ساخت که بنا به پیش بینی لایحه

کیهان هوائی ۲۶ دیماه - حجت الاسلام مقتدایی عضو و سخنگوی شورای عالی قضایی اعلام کرد: "لایحه تشکیل دادگاه غنائم جنگی در جلسه شورای عالی قضایی به تصویب رسید." بر اساس این لایحه، "کلیه کالاهای و وسائل و ادوات نظامی اعم از دریایی، هوایی و زمینی و به طور کلی هر نوع کالای رزمی و غیر رزمی که متعلق به دولت و یا دولتهای متخاصم به شرط بالایا بردن قدرت رزمی طرف متخاصم حمل شود، در حکم غنیمت جنگی بوده و به تملک دولت جمهوری اسلامی ایران درمی‌آید." سخنگوی

روزنامه رسالت در تاریخ ۱۱ دیماه، گزارشی از جلسه علنی مجلس شورای اسلامی پیرامون اظهارات جعفری وزیر بازرگانی رژیم را درج کرد. جعفری در پاسخ به تزارش کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی درباره شیوع فساد در وزارت بازرگانی، طی سخنانی از وزارت بازرگانی و دولت میرحسین موسوی به دفاع برخاست. وی گفت کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی مرتکب خطاهای آشکار، مغالطه، اتهام زنی و... شده است. گوشه‌هایی از سخنان نمایندگان مجلس را در این خصوص به نقل از همان روزنامه درج می‌کنیم:

کروبی (نایب رئیس مجلس): (آقای علوی، آقای خدخالی، آقای دوزد زانی، اجازه بدهید!) موحدی ساوجی: "اینجا دهها نوار دارد، پرونده ۱۰ کیلو است. خلاف است این مطالب، اینها تضعیف مجلس است، شما دارید آبروی مجلس را

لایحه بیمه بیکاری کارگران

به سود کارفرماست

بزودی "لایحه بیمه بیکاری در جمهوری اسلامی" در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. روزنامه کیهان در تاریخ ۱۵ دیماه، مشروح مصاحبه با چهار تن از نمایندگان عضو کمیسیون کارمجلس شورای اسلامی را درباره این لایحه منتشر نموده است. نمایندگان عضو کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی در این مصاحبه انگیزه‌ها و ویژگی‌های لایحه بیمه بیکاری را بگونه‌ای صریحتر بیان نموده‌اند. حجت الاسلام فخرالدین هاشمی در این مصاحبه فاش ساخت که هراس جمهوری اسلامی از بیکاران یکی از انگیزه‌های اصلی ارائه لایحه بیمه بیکاری بوده است. وی گفت: "تازه اگر به اینها کمک نشود و پولی ندهند، باعث می‌شود که مشکلات در جامعه بوجود آید. وقتی که یک کارگری بیکار می‌شود و امکاناتی برایش نیست و بیمه نگیرد در دسر و گرفتاری بیشتری در جامعه ایجاد می‌کند."

در این مصاحبه همچنین فاش شد که لایحه بیمه بیکاری نه تنها برای دولت هزینه‌ای دربر ندارد بلکه به سود دولت و کارفرمایان می‌باشد. حجت الاسلام موسوی پور گفت: "این لایحه برای دولت، بازمانی ندارد. روشی که این لایحه در تامین هزینه‌های خود دارد، اینست که از کارفرما و کارگر حدود ۵ درصد حق بیمه می‌گیرد که همین وجه را در واقع بعنوان بیمه بیکاری به افراد بیکار می‌دهند." حجت الاسلام موسوی پور در سخنان خود همچنین تصریح کرد که این لایحه به چند دلیل بسود کارفرما نیز می‌باشد. وی گفت: "بر اساس قانون کار اگر کارگری بدون میل و اراده از کار بیکار شود، کارفرما موظف است که خسارت بیکاری کارگر را بپردازد. اگر سابقه کارگر را ۱۰ سال حساب کنیم شاید کارفرما مجبور باشد که یک دفعه ۱۰ هزار تومان به کارگر بپردازد. اما وقتی که بیاید این را در پوش بیمه بیکاری انجام دهد و درصدی را بعنوان حق بیمه پرداخت کند، اولاً از پرداخت یک وجه بسیار زیاد ناگهانی دور است، ثانیاً ممکن است میزان پرداخت حق بیمه هرگز معادل خسارتهایی که کارفرما بابت بیکار شدن کارگر می‌پردازد نباشد. ثالثاً نیروی متخصص را به این طریق از دست نمی‌دهد یعنی می‌تواند کارگر یا کارگرانی را که گاهی ممکن است بر اثر تغییراتی در شرکت یا در کارخانه بیکار شوند، مجدداً آنها را بکار گیرد."

همانگونه که در شماره قبل نشریه "اکثریت" نیز خاطر نشان شد، کارفرما می‌تواند با استفاده از یکی از بندهای "لایحه بیمه بیکاری" کارگران بیکار شده را با حقوقی معادل مقرری ایام بیکاری در همان کار سابق مجدداً استخدام نماید. باید افزود که بنا به اظهارات فخرالدین هاشمی، شورای نگهبان اساساً با لایحه بیمه بیکاری موافقت ندارد. وی گفت: "من نمی‌دانم شورای نگهبان تا چه اندازه با لایحه بیمه بیکاری نظر موافق داشته باشد."

نایب رئیس کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که در صورت تصویب این لایحه دولت ظرف مدت یکماه آئین نامه مربوطه را تهیه و به موقع اجرا خواهد گذاشت.

مذاکرات بانکی ایران و آمریکا و قضیه مک فارلین

در هفته‌های اخیر مذاکرات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا حول اموال بلوکه شده ایران در آمریکا در لاهه ادامه یافته است. اما نکته قابل تأکید در این موضوع آن است که روزنامه‌های دولتی هرگاه خبری درباره "مذاکرات بانکی" جمهوری اسلامی و آمریکا منتشر می‌سازند، از قید این موضوع که "این مذاکرات بانکی، ربطی به مسأله مک فارلین ندارد" باز نمی‌مانند. از جمله این "تأکیدات ویژه" سخنان میرحسین موسوی نخست‌وزیر در جلسه هیات دولت را میتوان یادآور شد. وی گفت: "مذاکرات بانکی ایران که در چارچوب توافق‌های بیانیه الجزایر صورت می‌گیرد، ربطی به مسئله کروکانهای

آمریکایی در لبنان و با مسافرت مک فارلین ندارد." باید خاطر نشان ساخت که دیوان لاهه حدود پنج ماه قبل حکم رفع توقیف از بیش از ۵۰۰ میلیون دلار اموال ایران را صادر کرده است و از آن زمان تاکنون مذاکرات مقامات حقوقی طرفین پیرامون این بخش از اموال بلوکه شده ایران ادامه دارد. روزنامه اطلاعات ۱۴ دیماه به نقل از مسعود مزینی معاونت ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد که دور دوم مذاکرات جمهوری اسلامی و آمریکا حول استرداد مبلغ ۵۰۷ میلیون دلار از اموال ایران قطع شده است. وی آمریکا را مسبب این موضوع معرفی کرد.

از میان دیگر رویدادها

* روزنامه رسالت تاریخ ۱۳ دیماه، صادق خلخالی نماینده مجلس شورای اسلامی را تهدید به افشاکری کرد. این روزنامه نوشت: "شما که همراه یکبار یا بیشتر، روزنامه رسالت و با افرادی از آن را به باد تهمت و ناسزا می‌بندید، خود می‌دانید افراد مورد تهمتهای شما هم زبان برای گفتن دارند و هم مدارک و شواهد کافی برای بعضی از کارها و موضعگیریهای شما در مقاطع مختلف که امیدواریم کار بدانجا کشیده نشود. تاسره از ناسره و موزون از ناموزون باز شناسانده شود."

* کیهان ۱۵ دیماه - معاون عمرانی استانداری لرستان با تفیق شهرداران این استان و همچنین شهرداران استان خوزستان، طی تلگرامی به وزیر کشور جمهوری اسلامی، خواستار آزادی شهردار اصفهان شدند. در این تلگرام همچنین تصریح شده است که دستگیری شهردار اصفهان "موجبات نگرانی شدید گردیده و این گونه حرکات موجبات تجری قانون شکنان و زورمداران را فراهم خواهد آورد."

* اطلاعات ۱۷ دیماه - سالاری سفیر جمهوری اسلامی ایران در بلیژیک با چک دلور رئیس جامعه اقتصادی اروپا دیدار کرد. رئیس اتحادیه اقتصادی اروپا در این دیدار اظهار داشت: "کمیسرین اتحادیه اقتصادی اروپا که ارکان اجرایی اتحادیه است برای هر نوع همکاری در زمینه گسترش روابط با ایران آماده است."

* با تأیید و قفنامه ۷۰۰ ساله "ربیع رشیدی" به وصیت خواجه رشیدالدین فضل‌الله از سوی دادگاه، کلیه موقوفات متفرقه در شهر تبریز از دست متصرفان آن پس گرفته خواهد شد. براساس این وقفنامه که گویا ۷۰۰ سال پیش توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله به رشته تحریر در آمده است، بجز تبریز و آذربایجان، در شهرهای اصفهان، شیراز، یزد و حتی شهر موصل عراق نیز موقوفاتی از این دست وجود دارد که فقها قصد کرده‌اند آنها را متصرف شوند. ضبط اموال و املاک مردم به بهانه وفقی بودن از جمله شکردهائی است که رژیم فقها در سالهای اخیر وسیعاً به کار گرفته است.

* محتشمی وزیر کشور رژیم جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی در هفته گذشته، گفت که ۲ میلیون افغانی در ایران در ۱۵ اردوگاه اسکان داده شده‌اند. نامبرده افزود که ۵۰۰ هزار عراقی نیز در ۱۸ اردوگاه مرزی، قرنطینه و اسکان موقت بسر می‌برند.

* رسالت ۲۶ آذر ماه - بر اساس گزارش "مرکز توسعه صادرات ایران" در ۸ ماهه اول سال جاری میزان صادرات کالاهای غیر نفتی ایران ۵۰۰ میلیون دلار اعلام شده است. این میزان صادرات غیر نفتی به لحاظ ارزش ۶۲ درصد نسبت به سال ۶۴ افزایش داشته است.

کمیته ۶۰ هزار عضو هیات علمی دانشگاهها

کیهان ۱۵ دیماه - ابوالحسن احمدیانی معاون دانشجویی وزیر فرهنگ و آموزش عالی جمهوری اسلامی در یک مصاحبه مطبوعاتی فاش ساخت که رژیم حدود ۶ هزار نفر عضو هیات علمی در دانشگاههای کشور کم دارد. وی گفت: "در حال حاضر دانشگاههای کشور با ۶ هزار نفر کمیته عضو هیات علمی مواجه هستند." اعتراف معاون دانشجویی وزیر فرهنگ و آموزش عالی به کمیته ۶ هزار استاد دانشگاه در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم در صدد است بر ظرفیت دانشگاههای کشور همچنان

بیافزاید. معاون دانشجویی وزیر فرهنگ و آموزش عالی در مصاحبه مطبوعاتی خود همچنین فاش ساخت که رژیم بنا به دلایل سیاسی از اعزام دانشجویان خارج مرز دارد. وی با تأکید بر "تربیت استاد و مدرس" در داخل کشور خاطر نشان ساخت: "مسأله بعد واکذارای بورس برای دانشگاههای خارج است که منهای بعد اصلی فرهنگی آن از نظر اجرایی برای جایابی تعداد زیادی دانشجویان در دانشگاههای خارج امکانات ضعیفی داریم اگر چه مسایل سیاسی آنرا نیز نباید از نظر دور داشت."

اولویت استخدام برای داوطلبین اعزام به جبهه‌های جنگ

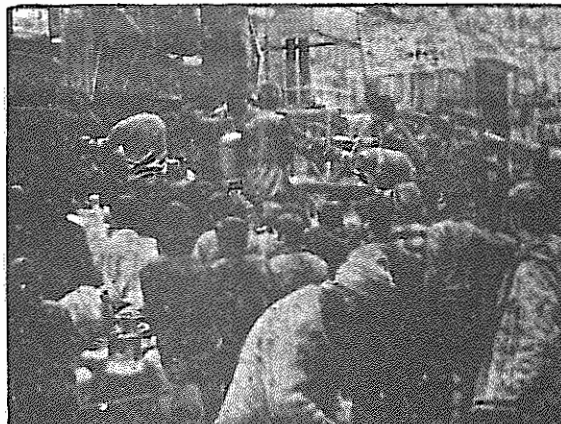
کیهان ۱۲ آذر - میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی طی بخشنامه‌ای "به کلیه وزارتخانه‌ها، سازمانها، موسسات دولتی، نهادهای انقلاب اسلامی و استانداری‌های سراسر کشور" دستور داد: "کسانی که با تأیید سپاه پاسداران، جهاد سازندگی

یا ارتش جمهوری اسلامی حداقل ۹ ماه متوالی یا ۱۲ ماه متناوب بطور داوطلبانه در جبهه‌های جنگ خدمت کرده و ریامی کنند از نوبت استخدام در اولویت می‌باشند."

کمیته شدید گاز و اعتراضات مردم

کمیته شدید گاز مایع باعث اعتراض گسترده مردم کشور شده است. روزنامه دولتی کیهان در تاریخ ۱۵ دیماه طی گزارشی از وضعیت عرضه و تقاضای گاز مایع در تهران و شهرستانها به برخی از

وسینهای دارند در محل‌های مختلف بسر سر ماشین حمل گاز ریخته حتی با ضرب و شتم هم که شده سیلندهای مورد نیاز خود را تهیه می‌کنند.



اعتراضات مردم اشاره کرده است. براساس گزارش روزنامه کیهان، میزان عرضه گاز مایع تنها، ۱۵ درصد تقاضای مردم را پاسخگو بوده و کمبود گاز مایع و اعلام مداوم کوپن گاز باعث این "مشکلات" شده است. در گزارش کیهان تصریح شده است: "در روزهای اخیر در تهران و در شهرستانها شاهد آن بوده‌ایم که صف کسانی که از انتظار در منازل خسته شده کپسول بدست در سر معابر و کوچه‌ها بلاتکلیف باقی مانده‌اند و با حرکت نخستین ماشین گاز از مبدا، آنها را که

از مبارزات کارگران کارخانه نان ماشینی اهواز

در شهریور ماه کارگران کارخانه نان ماشینی اهواز مدیریت را وادار کردند از تصمیم خود مبنی بر مخالفت با تعطیلات رسمی روزهای یکشنبه ۲۲ و دوشنبه ۲۴ شهریور (تاسوعا و عاشورا) عقب نشینی کنند. قبلا اعلام شده بود علیرغم تعطیل عمومی روزهای یاد شده، کارخانه تعطیل نخواهد بود و کارگران هر سه شیفت صبح و عصر و شب بایستی سرکار خود حاضر باشند. در اعتراض به این اقدام، کارگران پس از بحث و گفتگو در واحدها و شیفت های مختلف کارخانه روز ۲۲ شهریور به کارفرما پیغام دادند چنانچه از تصمیم خود صرف نظر نکنند آنان را سا کارخانه را تعطیل خواهند کرد.

مدیریت چون خود را قادر به مقابله با اقدام پیکارچه کارگران نمی دید با هدف ایجاد تفرقه در میان آنان، اعلام نمود با تعطیلی دو شیفت صبح و عصر موافق است ولی کارگران شیفت شب باید به کار خود ادامه دهند و یامه کارگران کار شیفت شب راه بپندارند. وی با طرح این پاسخ و تبلیغ اینکه تولیدات همه شیفتها به جیبه فرستاده نمی شود و کارخانه باید برای مردم نان تامین کند، توانست تولید شیفت شب را دایر نگه دارد. سه هفته بعد، شب پنجشنبه یکی از دستگاههای کارخانه از کار افتاد و تولید متوقف گردید. مدیریت با این تصور که باز هم می تواند کارگران

شیفت شب را با ترفند و تهدید به اضافه کاری وادارد. اعلام کرد از آنجا که کارخانه به تعمیر احتیاج دارد، کارگران به خانه های خود بازگردند و روز جمعه به تلافی پنج شنبه سرکار حاضر شوند. کارگران شدیداً با وی مخالفت کرده، گفتند فقط تا ساعت مقرر در کارخانه می مانند و اضافه کاری بیش از ۲ ساعت را نیز نخواهند پذیرفت. برای این مدت حق اضافه کاری باید پرداخت شود. مدیر برای تحمیل نگر خود و ارباب کارگران، یکی از آنان را همان لحظه اخراج کرده و به کار دیگری نیز اخطار داد. اما این تهدیدات موثر واقع نشد و کارگران همانگونه که گفته بودند پس از سه ساعت اضافه کاری دستگاهها را خاموش نموده، کارخانه را ترک کردند. بی گیری کارگران برای بازگرداندن کارگر اخراجی ادامه دارد.

شامه ای از باختران سوخته

... از قتل عام شدگان در بمباران هارقم دقیقی در دست نیست. تنها طی آذرماه بیش از ۱۰۰۰ تن کشته و انبوهی از زن و بچه مجروح گردیدند. در شهر خانواده ای نیست که عزیز وی را از دست نداده و داغدار نباشد. یاسیج به اجبار می برد و پیکر متلاشی شده شان را باز می آورد و یا در شهر هدف بمباران می شوند. در حال حاضر شهر تقریباً خالی از سکنه است. آثانی که قادر بودند به دهات و شهرهای اطراف کوچیده اند. بقیه نیز که مردم محروم شهر هستند در زیر سقف خانه های خود در اضطراب بمباران و بمباران های بعدی هستند. آثایی هم که شهر را

ترک کرده اند از شدت گرانی مدت زیادی نمی توانند در شهرهای دیگر بمانند. خصوصاً اینکه سرما بیداد می کند و تامین سوخت پول کلانی می خواهد. به همین خاطر بسیاری از رفتگان بعد از چندی با وضع بدتری به شهر بازگشته اند. خانواده ها از فرستادن کودکانشان به مدارس خودداری می کنند. شایعات زیادی بر سر زبانهاست. از جمله می گویند صدام قصد بمباران شیمیایی شهر را دارد. نگرانی از بمباران شیمیایی مردم را دچار اضطراب کرده است. ماسک هایی که به پاسانها، کارمندان دولتی و کمیته چپی هاداده اند شایعه بمباران شیمیایی را قوت بخشیده است.

میدان کاراژ، تعاونی چهار، جلوخان (سراسر)، میدان وزیری، خیابان سپه تا چهارراه اجاق، میدان شهناز، خیابان شریعتی و کوچه زراع، خیابان دلکش، آبادانی و مسکن، در چند نقطه شرکت نفت، کارخانه خانه سازی، کارخانه سیمان، کارخانه نساجی غرب فازیک، صالح آباد، هوانیروز... از جمله مناطقی هستند که طی ۶ روز اول دی ماه هدف بمباران قرار گرفته اند. از کشته و مجروحین کارخانه های فوق رقمی اعلام شده است. تا آنجا که می توان گفت طی این ۶ روز هر روز گروه، گروه و محله به محله تشییع جنازه داشتیم.

اکثر نقاط شهر را سنگر بندی کرده اند. انبوهی شن، کیسه و گونی و پاره آجر چهره شهر را به کلی درگرو ساختن است. مردم می گویند این سنگرها که به درد ضد هوایی نمی خورد، از ترس برپا شدن تظاهرات علیه چنگ است که اینها را می سازند... همواییتی شما از کرمانشاه شانزدهم دی ماه

تدوین دانشجویان مرکز تربیت تکنیسین تهران

فوق کرده و تجمع آنان را پراکنده ساختند. در پی آن فرار شد و روز چهارشنبه ۷ آبان بدنبال بیک راهپیمایی در مقابل ساختمان وزارت علوم و آموزش عالی اجتماع کنند. این بار نیز ساواک از طریق انجمن اسلامی از موضوع مطلع شده و پیش از دانشجویان همراه با اکیب مسلح در محل حاضر بودند. در آنجا به دستور مأمورین از تجمع بیش از ۲ نفر جلوگیری کردند. یک حکومت نظامی تمام عیار برقرار بود. اما دانشجویان حاضر نبودند محل ساختمان آموزش عالی را ترک کنند. ساعاتی بعد از طرف کمیته مرکزی سپاه پاسداران به دانشجویان وعده داده شد به شرطی که پراکنده شوند تا ۱۴ آبان به موضوع آنان رسیدگی خواهد شد و تنها در پی این قول مساعد بود که توانستند از ادامه تجمع دانشجویان جلوگیری کنند. بلا تکلیفی دانشجویان هنوز ادامه دارد.

جعلی بودن امتیاز آن را تایید کردند. و برای رسیدگی به آن پرونده هایی در شعبه ۱۲ و ۱۸ دادرسی تشکیل شد. دانشجویان به بلا تکلیفی خود و عدم تشکیل کلاسها اعتراض کرده و خواهان دایر شدن هر چه زودتر کلاسها شدند. دانشجویان تصمیم گرفتند با تشکیل شورا و انتخاب نماینده خود را موضوع را دنبال کنند. ابتدا به دفتر منتظری در قم مراجعه کردند اما نتیجه ترفتنند. مرکز مهر موم شده بود و آنان جایی برای گفتگو و مشورت نداشتند و برای همین ناچار بودند در کوچه های اطراف اجتماع کرده و اقدامات خود را هماهنگ کنند. انجمن اسلامی در تمامی این مدت تلاش کرد که در بین آنان تفرقه و اختلاف بپانندازد اما موفق نشد. آنان حتی دانشجویان را به شناسایی

روز چهارشنبه ۱۴ آبان دانشجویان مرکز تربیت تکنیسین تهران پس از وعده مساعد مسئولین مبنی بر رسیدگی فوری به خواست آنان به اجتماع خود در مقابل ساختمان وزارت علوم و آموزش عالی پایان دادند.

مرکز تربیت تکنیسین در سال ۵۸ با توافق نخست وزیری و اداره کل آموزش و پرورش استان تهران به سرپرستی شخصی بنام فرهی تشکیل گردید. ۵ سال پس از صدور امتیاز آن در آذر ماه سال ۶۲، "مرکز" با انتشار اطلاعیه در روزنامه های رسمی از داوطلبان خواست که در آزمون ورودی آن شرکت کنند. آزمون با مدتی تاخیر در دو نوبت در ماههای اسفند سال ۶۲ و شهریور سال ۶۴ به ترتیب برای داوطلبان تهرانی و شهرستانها برگزار گردید. در این آزمونها جمعا ۲۵۰۰ تن پذیرفته شدند. ۳۰ تن دیگر نیز بعد به آنان افزوده شدند. از هر یک از پذیرفته شدگان ۶۰ هزار ریال به عنوان شهریه اخذ شد و قرار شد که کلاسها در همان سال ۶۴ شروع شود.

امکانات آموزشی آن تنها یک ساختمان بود که بعد ساختمان دیگری نیز در جوار آن اجاره شد. برای تدریس درس نیز چند نفر استاد و تعدادی از فوق لیسانس های دبیرستانها در نظر گرفته شده بود و بنا بود به دانشجویان پس از طی دوره دوساله و گذراندن علوم پایه و آزمایشگاه مدرک کاردانی داده شود. در اردیبهشت ماه سال ۶۵ در پی شکایت برخی آزمایشگاهها این "مرکز" غیرقانونی اعلام شد و وزارتخانه های آموزش و پرورش و کار و آموزش عالی

و معرفی به ساواک رژیم نیز تهدید کردند اما باز هم نتوانستند کسی را مرعوب سازند. خود انجمن اسلامی به دانشجویان گفته بود که خبر مربوط به اقدامات و تصمیم آنان را به ساواک و سپاه اطلاع می دهد. وبه همین دلیل نیز بود که روز جمعه ۲۵ مهر ماه قبل از اینکه همه دانشجویان در میدان فردوسی اجتماع کنند کمیته چپی ها و ساواکی ها آنجا را

تکلیف دانشجویان مرکز تربیت تکنیسین

«تکنیسین» چیست

من پی از دانشجویان مرکز تربیت تکنیسین فوق قانونی و هسته اما باور کنید من و دوستانم دوسال از عمرمان، نیرومان و هوسمان را صرف گروهی که به تازه غیر قانونی این مرکز واقع شدیم، ما دوسال در کلاسهای ۵۰ نفره که از کسرین امکانات بی بهره بود آموزش دیدیم. در این دانشجویان کسانی از شهرستانهای مسکن، کرج، اراک و قم دو روز در هفته به تهران میامند. و تمام این سختی ها را تحمل کردیم و ادامه دادیم هرچس هم نکت که این مرکز غیر قانونی است، و تازه کلاسهای عملی و آزمایشگاه شروع شده بود که بگاره از چپ و راست اطلاعها دادند. که این مرکز غیر قانونی است.



اول بهمن (۲۰ ژانویه) شصت و سومین سالگرد درگذشت ولادیمیر ایلیچ لنین آموزگار و رهبر کبیر پرولتاریاست. اکنون ۶۲ سال از زمانی می‌گذرد که قلب لنین از حرکت باز ایستاد و طبقه کارگر را در سرتاسر جهان ماتمزه کرد. بدسر آمدن این همدسال ذره‌ای نیز از درخشندگی نام ایلیچ نکاسته است. هرچه می‌گذرد نام او، یادگارهای او و آموزش او درخشنده‌تر و پرتجلی‌تر می‌گردد. در جاودانگی نام او همین بس که در پس هر تجربه‌ای می‌آموزیم که باید

معنای آموختن کمونیسم

ملرح سازید که چرا آموزش مارکس توانسته است بر قلوب میلیون‌ها و دهها میلیون تن از افراد انقلابی‌ترین طبقه مسلحان در تنهای یک پانچ دریافت خواهید داشت و آن اینکه علت این امر آن بوده است که مارکس بر بنیاد استوار معلومات بشری که در دوران سرمایه‌داری بدست آمده بود تکیه میکرد...

وی تمام آفریده‌های فکر بشری را حلاجی کرد، در معرض انتقاد قرار داد و در جریان جنبش کارگری واری نمود و آنچنان نتیجه گیری‌های کرد که افراد محدود در چارچوب بورژوازی یا افرادی که در بند خرافات بورژوازی گرفتار بودند قدرت آنرا نداشتند.

این مطلب را هنگامیکه ما مقلدا از فرهنگ پرولتری سخن می‌گوئیم، باید در نظر داشته باشیم. بدون درک روشن این نکته که فقط با اطلاع دقیق از فرهنگی که تمام سیر تکامل بشری آنرا بوجود آورده است و فقط با حلاجی آن میتوان فرهنگ پرولتری را شالوده ریخت، ما قادر به حل این مسئله نخواهیم بود. فرهنگ پرولتری چیزی نیست که از جای نامعلومی نازل شده باشد، این فرهنگ من در آوردی اشخاصی که خود را در رشته فرهنگ پرولتری کارشناس میدانند نیست. اینها سراپا لاطائلات است. فرهنگ پرولتری باید تکامل قانونمندانه آن ذخائر معلوماتی باشد که بشریت تحت ستم جامعه سرمایه‌داری، جامعه مملکتی و جامعه بوروکراتیک، بوجود آورده است. همه این راهها و کوره‌ها و ماها را همانگونه بسوی فرهنگ پرولتری می‌برده، می‌برد و کماکان خواهد برد، که علم اقتصاد، که توسط مارکس حلاجی شد، آن چیزی را که جامعه بشری باید بدان نائل آید بما نمایانید و انتقال به مبارزه طبقاتی و آغاز انقلاب پرولتری را نشان داد.

بقیه در صفحه ۱۱

دهقانان را کمتر تربیت میکردند و بیشتر بفتح همان بورژوازی تادیب می‌نمودند. آنها را طوری تربیت میکردند که برای بورژوازی خدمتکاران بدرخوری تهیه شود، که قادر باشند به‌و، سود بدهند و در عین حال آسایش و بیکارگی وی را مختل سازند. بدینجهت ما، در عین نفی مکتب قدیم، این وظیفه را وجهه همت خود فرار دادیم که از آن فقط آن چیزی را بگیریم که برای ما لازمست تا بوسیله آن بتوانیم به آموزش واقعی کمونیستی نائل آئیم.

مکتب قدیم مکتب کتاب بود و افراد را وادار میکرد مقدار زیادی معلومات غیر لازم و زائد و جامد فرا گیرند که مغز را انباشته میکرد و نسل جوان را به کارمندی که از یک قالب عمومی بیرون آمده بودند، تبدیل میکرد. ولی هر آینه شامدرسد گرفتن این نتیجه برآئید که بدون فراگرفتن آنچه که معلومات بشری گرد آورده است میتوان کمونیست شد اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اید. اشتباه بود هر آینه تصور میشد که فراگرفتن شعارهای کمونیستی و نتیجه گیری‌های علم کمونیستی بدون فراگرفتن آن مجموعه معلوماتی که کمونیسم خود نتیجه آن است، کفایت مینماید. نمونه اینکه چگونه کمونیسم از مجموعه معلومات بشری پدید آمده، همان مارکسیسم است.

شما خواننده و شنیده‌اید که چگونه نئوری، کمونیستی و علم کمونیستی که موجد آن بطور عمده مارکس است، چگونه این آموزش مارکسیسم اکنون دیگر تالیف یک سوسیالیست و حتی سوسیالیست نابغه قرن نوزدهم نبوده بلکه به آموزش میلیونها و دهها میلیون پرولتر سراسر جهان بدل شده است، که این آموزش را در مبارزه خود علیه سرمایه‌داری بکار می‌برند. و اگر شما این سؤال را

مربوطه کمونیسم مسطور است به منتها درجه نادرست میباشد. اکنون در نطقها و مقالات ما تکرار ساده آن چیزهایی که سابق در باره کمونیسم گفته می‌شد وجود ندارد، زیرا نطقها و مقالات ما با کار روز مره و همه جانبه رابطه دارد. کسب معلومات کتابی در باره کمونیسم از روی رسالات و تالیفات کمونیستی بدون کار و بدون مبارزه واجد هیچگونه ارزشی نیست، زیرا چنین معلوماتی به گسست قدیمی بین تئوری و پراکتیک یعنی به آن گسست قدیمی که نفرت انگیزترین صفت جامعه کهنه بورژوازی را تشکیل میداد، کماکان ادامه خواهد داد.

از اینهم خطرناکتر خواهد بود، اگر ما فقط به فرا گرفتن شعارهای کمونیستی بپردازیم، اگر ما باین خطر بوقع بی‌تیریم و تمام فعالیت خود را متوجه آن سازیم که این خطر را برطرف نمائیم، آنوقت وجود نیم میلیون یا یک میلیون تن از پسران و درویشگان که پس از اینگونه آموختن کمونیسم خود را کمونیست خواهند نامید، فقط زبان عطیعی به امر کمونیسم وارد خواهد ساخت.

اینجا در برابر ما این مسئله قرار میگردد که چگونه باید همه اینها را برای آموختن کمونیسم با هم توأم نمود؟ ما چه چیزی را باید از مکتب قدیم و علم قدیم بگیریم؟ مکتب قدیم اظهار می‌داشت که می‌خواهد انسانی دارای معلومات همه جانبه بوجود آورد و علوم بطور کلی را می‌آموزاند. ما میدانیم که این ادعا سراپا کذب بود، زیرا تمام جامعه مبتنی و متکی بر تقسیم افراد به طبقات یعنی استثمارگران و ستمکشان بود. طبیعی است که تمام مکتب قدیم، که روح طبقاتی سراپای آنرا فرا گرفته بود، فقط به اطفال بورژوازی معلومات می‌آموخت. هر کلمه آن با منافع بورژوازی تطبیق داده شده بود. در این مکتب نسل جوان کارگران و

ما برای آموختن کمونیسم چه چیزی لازم داریم؟ چه چیزی را ما باید از مجموعه معلومات کلی برگزینیم تا معلومات کمونیسم کسب کنیم؟ اینجا مخاطرات چندی ما را تهدید مینماید که غالباً به محض آنکه وظیفه آموختن کمونیسم به شیوه نادرستی مطرح میگردد یا هنگامیکه این وظیفه بسیار یکجانبه درک میشود، مخاطرات مزبور هم بروز میکنند.

طبیعی است که در نظر اول این فکر به مغز می‌آید که معنای آموختن کمونیسم عبارتست از فراگرفتن آن مجموعه معلوماتی که در دستنامه‌ها و رساله‌ها و آثار کمونیستی بیان گردیده است. ولی اگر در مورد آموختن کمونیسم چنین تعریفی بشود بیش از حد سطحی و ناکافی خواهد بود. اگر آموختن کمونیسم فقط منحصر بود به فراگرفتن آنچه که در آثار و کتابها و رساله‌های کمونیستی بیان شده است، آنوقت ما خیلی سهولت میتوانستیم ملانقطی‌ها یا لافزنان کمونیست بدست آوریم و این امر در غالب موارد زیان و خسارت به ما وارد می‌نماید، زیرا این افراد پس از آموختن و از بر کردن مندرجات کتب و رسالات کمونیستی، نمی‌توانستند همه این معلومات را با هم مربوط سازند و نمی‌توانستند آن‌طور عمل نمایند که واقعاً کمونیسم خواستار آنست.

یکی از بزرگترین بلاها و بدبختی‌هایی که از جامعه کهنه سرمایه‌داری برای ما باقی مانده است همانا گسست کامل کتاب با زندگی عملی است، زیرا ما کتابهایی داشتیم که در آنها همه چیز به بهترین صورتی درج شده بود و این کتابها در اکثر موارد مشغز کننده‌ترین اکاذیب سالوسانه‌ای بودند که جامعه سرمایه‌داری را کاذبانه برای ما تصویر میکردند.

بدین جهت فراگرفتن ساده و کتابی‌مآبانه آن چیزی که در کتابهای

کردستان: سرزمین رنج و رزم

آرمان ۲۲ ریبه ندان: مشعلی همیشه فروزان

بقیه از صفحه اول

دستور کار نهاد. مدام دست به لشکرکشی زد. روستاها را قتل عام کرد، بر شهرها بمب و خمپاره افکند و تا جایی پیش رفت که منطقه را از نظامیان انباشت. در هر روستایی پایگاهی مستقر کرد تا این خلق به پاخاسته را به بند کشد. اما کردستان از پادرنیامد. کردستان از آثرو از آغاز خار چشم ارتجاع بود که شعله های انقلاب در آن دیرپایی داشت. گره خوردن دستهای پینه بسته به قبضه تفنگ مظهر این دیرپایی بود. در کردستان زهر توهم قادر نبود انقلاب را از پا درآفکند. توممی در میان نبود. کرد آرمان روشنی داشت، می دانست که چه می خواهد. خمینی برای آن دم از انقلاب می زد که گردونه آن اورا به عرصه قدرت پرتاب کرد. قدرت تازه که استقرار یافت حفظ آن منوط به درهم شکستن انقلاب بود. اینجا بود که کردستان مایه عذاب خاطر ارتجاع می شد.

کردستان هنوز پس از هفت سال سرکوب مداوم، مایه عذاب خاطر ارتجاع است. کردستان برای رژیم حکم یک سرزمین اشغال شده را دارد. در چنین خطه ای، هر فرد یک تفنگ است، حتی اگر دستش خالی باشد. هر فرد بمبی است که هر آن ممکن است بترکد و دستهای از مزدوران ارتجاع را از پادرافکند. در هر جاده کیمینی گذاشته شده است، حتی اگر سرتاسر منطقه کاملا نظامی شده باشد، حتی اگر هیچ پیشمرگی را در آن ناحیه نتوان یافت. سنگها و صخره های کردستان به رژیم دهن کچی می کنند. رژیم در این خطه اینسان تنهات، اینسان سرخورده و هراسان است. و این همه میسر نشده است مگر بر اثر توانمندی جنبش در کردستان. کرد همواره زنده است. هر کردی هر روز و هر ساعت در سرود میهنی خود چنین ندا در می دهد و این چنین به ارتجاع اعلان جنگ می کند. کرد از مبارزه باز نمی ایستد. کرد همواره ۲۲ ریبه ندان تازه ای را در فراراه خود می بیند.

کردستان سرزمین رنج و رزم است. ستمی که بر کردستان رواداشته می شود، ستمی مضاعف است. در همه جای ایران سرکوب، فقر، کمبود، گرانی و بیکاری بیداد می کند. اما کردستان بعنوان کردستان نیز سرکوب می شود، به عنوان کردستان نیز محرومیت ویژه ای را متحمل می گردد. گزارش زیر گوشه هایی از این محرومیت را بازتاب می دهد.

فقر و محرومیت و مهربانی

کمبود و گرانی

در کردستان فقر بیداد می کند. در سنج دیدن این منظره که کسی آشفالهای یک سالن غذاخوری را بهم می زند برای آنکه تکه ای نان در آن بیابد تا قوتی برای سرپا ایستادن پیدا کند، پدیده ای عادی است. اخیرا یک خیر سنج را تکان داد. در محله فقیرنشین عباس آباد پدری پس از مشاهده منظره دردناک کاوش سطل آشفال همسایه از سوی در فرزندش برای پیدا کردن پس مانده یک میوه، کنتش را فروخت، با آن برای فرزندانش میوه خرید و پس از آن با کارد خودکشی کرد. حادثه ای دیگر: در ساعت ۵ صبح در روز ۲۹ شهریورماه امسال در شهر سنندج، مردم بچه شش ماهه ای را یافتند که کنار دیوار یک ثانوایی گذاشته شده بود. به قنداق بچه یادداشتی با این مضمون بود: به دلیل فقر و گرسنگی از پس نگهداری او بر نیامدیم.

این حوادث، حوادثی عادی هستند. عادی از آثرو که در کردستان فقر و محرومیت پدیده ای عادی است، پدیده ای که جز هویت این سرزمین است. به دست مردم کردستان نان نیز به زحمت می رسد. در اکثر شهرها از ساعت ۲ بعد از نیمه شب در جلوی ثانوایی صف تشکیل می شود. تعداد ثانوایی ها و سهمیه محدود آرد آنها، کفاف جمعیت افزایش یافته شهرها را نمی دهد. در کردستان شهر و روستا دردهای خود را بر روی هم ریخته اند. فقر و سرکوب روستائیان را به سوی شهرها رانده است و شهرها جز محرومیت بیشتر چیزی برای ارزانی کردن به جمعیتی که بر آنها افزوده شده است، ندارند. حکایت نان وقتی انسان باشد که گفتم حکایت گوشت دیگر جای خود را دارد. فقر قصابی ها

را تحریم کرده است. دیگر اگر از کمبود گوشت سخن گوئیم همه جنبه قضیه را منعکس نکرده ایم. توصیف سرمای زمستان کردستان را همه شنیده ایم. مردم کردستان فصل سرما در نهایت در کمبود مواد سوختی سپری می کنند. در گزارشی از کردستان می خوانیم که اکنون یک ماه ونیم است که به مردم سهمیه نفت نداده اند. گازوئیل سهمیه استانه ای آذربایجان غربی و کردستان (بنابر تقسیم کشوری دولتی) اساسا به مصرف ارگانهای نظامی مستقر در این دو استان می رسد و به مردم چیزی نمی رسد. در جلوی پمپ بنزینی ها برای دریافت بنزین و گازوئیل گاه چند کیلومتر صف تشکیل می شود.

کم کم آب را هم می خواهند از مردم کردستان دریغ دارند. به محله فقیرنشین تپه خجیجه در سنندج آب نمی رسد. مردم این محله پارها دست به اعتراض زده اند. موج اعتراضی که در این محله از تاریخ ۶۵/۵/۱۵ شروع شد همچنان ادامه دارد. تاکنون چندین بار اهالی این محله در جلوی سازمان آب جمع شده اند. بالاخره چند شیر آب عمومی در این محله تعبیه شد. اما پس از چند روز آب آنها قطع گردید. اهالی مجبورند برای چند لیتر آب مسافت زیادی را پیاده روند و با پول زیادی آب بخرند.

در روستاها فقر و محرومیت بیداد می کند. بسیاری از روستاها همچنان در محاصره اقتصادی هستند. به روستا عملا جنس کوینی نمی رسد. گاه روستاها را برای ایجاد رعب و وحشت "چریبم" کرده و از دادن کالاهای کوینی به آنها خودداری می کنند. اخیرا به اهالی بخش کلاترزان فشار وارد آورده اند که باید به ازای هر برکه کوین ۲۰۰ تومان بپردازند، ۲۰۰ تومان مالیات زور برای ریختن در شک ارگانهای جنگ و سرکوب.

مسکن برای همه شهرهای کردستان مساله عمده ای است. جمعیت شهرها افزایش یافته و مشکل کمبود مسکن را به حد غیر قابل تحملی رسانده است. شهرداری ها جلوی بیخوله سازی در حاشیه شهرها را که تنها چاره مردم بی سرپناه از روی ناچاری است، می گیرند. در سنندج خانه های مردم در حاشیه شهر آشکارا با زور سلاح ویران می شود. در جریان ویران کردن

خانه ها در این شهر تاکنون یک زن کشته شده است.

بیکاری و اخراج

به بوکان که وارد می شوید در یک نگاه درمی یابید که بیکاری تا چه حد در کردستان بیداد می کند. مگر یک شهر کوچک تا چه تعدادی می تواند دستفروش داشته باشد، دستفروشان بی بساطی محقر.

دستور داده اند که همه کارگران و کارمندان بیمانی را اخراج کنند. تعداد اخراجی ها تنها در اداره آموزش و پرورش و بهداشت از مرز ۱۰۰۰ نفر می گذرد. در میان این عده که اسامی اخراج شده اند بسیاری از افراد بیش از ۵ سال به صورت بیمانی کاری کرده اند.

برای اخراج کردن هم بهانه اقتصادی دارند و هم بهانه سیاسی. در آموزش و پرورش علیرغم اخراج های وسیع از سال ۵۹ به بعد، هنوز موج اخراج ادامه دارد. در همین شهریور ماه گذشته در آموزش و پرورش کامیاران ۳۰ نفر از معلمان تحت عنوان "نداشتن صلاحیت" از تدریس محروم شدند.

در کارخانه پوشاک سنندج برای افزایش استقرار از شیوه کارمزدی (به صورت پورسانتی) استفاده می کنند. اگر کسی نسبت به شرایط کار شکایت داشته باشد و کار مقرر را تمام نکند، اخراج می شود. در این کارخانه زن حامله ای که پابه ماه بهد، از ترس اخراج شدن، علی غم دردی که می کشید به کار خود ادامه می داد. بالاخره در حین کار دچار درد زایمان شد و در ساعت ۱۰ صبح و در خود کارخانه بچه اش را به دنیا آورد. بچه که به دنیا آمد زن خطاب به نوزادش گفت: امیدوارم درد و بدبختی مرا به خاطر بسیاری. در این کارخانه پرداخت دستمزد کارگران - که از آن حق اولاد و مزایا را حذف کرده و مقدار پرداختی را بر روی میزان حداقل دستمزد رایج که ماهی ۲۵۰۰ تومان است، تثبیت کرده اند - گاه تا سه ماه به تعویق می افتد.

جنگ و سرپاز گیری

کردستان از دو نظر یک منطقه جنگی است: اینجا کردستان است، سرزمینی که با مبارزه مسلحانه خود

خانه‌گردی در آن یک زن بر اثر اصابت گلوله پاسداران به شدت زخمی شد.

در مناطق روستایی، تکیه‌گاه رژیم فئودالها و خانهاست. اکنون فئودالها بازگشته‌اند و زمینهای تقسیم شده خود را پس گرفته‌اند. آنها به مدد سرتیژه پاسداران خون مردم را به شیشه می‌کشند. اخیراً در روستای باغچه از توابع بوکان ۲۴ نفر از اهالی به تحریک یک فئودال دستگیر شدند. جرم آنها این بود که قبل از تصرف منطقه به یاری نیروهای پیشمرگ زمین فئودال را مصادره کرده و در آن به صورت ۲ یا ۳ نفره به کشت اشتراکی پرداخته بودند. در روستای چنچه‌وارود در تاریخ ۶/۶/۶۵، پاسداران تلاش کردند که درختان کردی مصادره شده از سوی اهالی را، به نفع یک فئودال منطقه پس بگیرند. روستائیان مقاومت کردند. بالاخره فشار را بر روی پرداخت اجاره درختها گذاشتند. اهالی زیر بار این حرف زورم نرفتند.

سرکوب و مقاومت

تمام راههای ورود و خروج شهرهای کردستان به شدت زیر کنترل پاسداران رژیم است. همه وسایل نقلیه را به دقت می‌گردند. از افراد بازجویی می‌کنند و در برخورد با کوچکترین ابهام از ماشین پیاده کرده و روانه زندانهای موقت و دائمی می‌سازند تا شاید بتوانند به رد و سرنخی دست یابند. به تازگی ترمینال سنندج را به راه انداخته‌اند. در این ترمینال مزدوران رژیم آشکارا و به صورت مخفیانه همه را کنترل می‌کنند. برخی از مغازه‌های محوطه ترمینال را هم به عوامل خود داده‌اند تا کنترل مسافرین وسیع تر باشد.

اخیراً در بخش فیض‌الله بیگی سنقر ۴۰ نفر را دستگیر کردند. در میان دستگیرشدگان حتی پیرزنی دیده می‌شود که می‌گویند نزدیک به ۱۰۰ سال دارد. کنترل در جاده و در خیابان، خانه‌گردی، دستگیریهای گسترده، هجوم به روستاها، همه این پدیده‌ها جلوه‌های ساده‌ای از سرکوب در کردستان است. اما توله‌شدیدترین اشکال سرکوب نیز قادر نشده است آتش مبارزه در کردستان را خاموش کند. بقیه در صفحه ۱۴

تخلیه روستاها و تسلیح اجباری

در اواخر مهرماه امسال در روستاهای اطراف دیواندره آشکارا حکومت نظامی اعلام کردند. دستور دادند که از ساعت ۸ شب به بعد کسی حق ورود به روستاها، خروج از آنها و تردد در آنها را ندارد. هدف از این گونه فشارها جلوگیری از ورود نیروهای پیشمرگ به روستاها و تماس روستائیان با آنان است.

فشار برای تسلیح اجباری کماکان ادامه دارد. اما این سیاست عملاً شکست خورده است. کم دیده شده است که تفنگهای دولتی علیه خود دولت به کار بسته شود. رژیم در کنار سیاست تسلیح اجباری همچنان از تاکتیک "زمین سوخته" نیز بهره می‌گیرد. روستاها را تخلیه می‌کنند تا یک منطقه خالی از سکنه شود و پیشمرگه

بایگانه منطقه بردند. اما موضوع در اینجا ختم نشد. اهالی به دنبال جوانانشان رفتند و در جلوی بایگانه جمع شدند. علیرغم تیراندازی جاش‌ها مردم متفرق نگشتند. پاسداران مجبور شدند ۲ نفر از دستگیرشدگان را آزاد کنند. ۳ نفر دیگر را به پادگان سنندج فرستادند. آنها نیز بالاخره گریختند.

در کردستان نیز سیاست نظامی کردن مدارس با شدت و تاکید زیادی پیش برده می‌شود. بخشنامه کرده‌اند که همه دانش‌آموزان باید دوره آموزش نظامی ببینند. با تهدید و حیل‌های مختلف به جبهه فرستاده شوند. معلمین نیز مشمول این بخشنامه هستند. دانش‌آموزان و معلمین از شرکت در این دوره‌ها خودداری می‌ورزند، آنگاه نیز که اجبار کارساز شود همه می‌گویند این آموزش نظامی را در جای دیگری به کار خواهیم بست. علیه خود رژیم.



فشارهای ناشی از تداوم جنگ ارتجاعی بین جمهوری اسلامی و عراق، تنها در سرانجامی تجلی نمی‌یابد. این فشارها ابعاد و وجوه مختلفی دارد.

اخیراً در تاریخ ۶۵/۷/۴ دستور دادند که خیابانهای سنندج باید مجانی ۱۲۰ دست لباس نظامی بدوزند. هیچ کس زیر بار این زور نرفت.

نفرت مردم از جنگ و وصف ناشدنی است. آن هنگام که مریوان و سنندج و دیگر شهرها طعمه بمبارانهای هوایی می‌گردد، آنچنان خشمی در چهره‌ها موج می‌زند که مزدوران رژیم مصلحت می‌بینند خود را از چشم اهالی پنهان سازند.

گرفته است و بهمین خاطر بخش مهمی از ماشین جنگی رژیم موارده در این خطه مستقر است. کردستان هم‌جوار با عراق است و از این نظر جزو مناطق اصلی پیشبرد جنگ ارتجاعی است. این امر نیز بر میزان حضور نظامیان در این منطقه افزوده است.

رژیم تاکید ویژه‌ای بر روی سربازگیری در کردستان دارد. برای رژیم مهم است که جوانان کرد را در پادگانها زندانی کند و در جبهه‌های جنگ در کام گشاده مرگ اندازد.

مزدوران رژیم در دربار به دنبال جوانان می‌گردند تا آنها را دستگیر کرده و به پادگانها اعزام کنند. برای این منظور هم به کنترل و بیگردانی دست می‌زنند و هم فشارهای ضربتی. بعنوان نمونه در روز ۲۰ شهریورماه امسال شهر بوکان را به یکباره قرق کردند. عده کلیری پاسدار در همه جا پخش شدند تا جوانان این شهر را دستگیر کنند.

همانسان که رژیم برای سربازگیری از میان جوانان کرد مصر است، جوانان نیز برای گریز از خدمت اجباری اصرار دارند. در تاریخ ۶۵/۶/۲۵ مزدوران رژیم به روستای حاجی‌آباد واقع در بخش سرشیو سقر ریختند تا جوانان مشمول را دستگیر کنند. بالاخره به ۱۵ نفر دست یافتند. اما وقت خارج کردن آنها از روستا با مقاومت وسیع اهالی مواجه شدند. مردم با مشت و چوب در برابر تفنگ مزدوران ایستادند. بالاخره ۵ از نفر دستگیر شدگان موفق به فرار گشتند.

شهر مریوان نیز در این زمینه نمونه‌های جالبی به دست می‌دهد. در تابستان طی فشارهای ضربتی ۲۰۰ نفر از جوانان این شهر و روستاهای اطراف آن را دستگیر کرده و به پادگانها فرستادند. از ۲۰۰ نفر ۱۷۰ نفر گریختند. در تاریخ ۶۵/۶/۱۴ مزدوران رژیم به روستای جورونته واقع در بخش شامیان مریوان یورش آوردند و از اهالی آن خواستند در مسجد جمع شوند. به مجرد یورش آنها همه جوانان مخفی شدند. بقیه اهالی نیز از جمع شدن در مسجد خودداری نمودند. مزدوران رژیم شروع به خانه‌گردی کردند. بالاخره ۱۲ نفر را دستگیر کردند. اما هنگام انتقال آنها با مقاومت اهالی مواجه شدند. ۶۰ نفر از جوانان دستگیر شده موفق به فرار شدند. پاسداران ۶ نفر دیگر را به

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق‌های ایران است

۱۹۱۸ کارگران را به ادامه مبارزه پس از خلع قیصر تا به فرجام رساندن انقلاب فراخواندند، و بالاخره حزب کمونیست آلمان، پرچمدار انقلاب و سوسیالیسم را بنیان گذاشتند. سال گذشته در مجلس نمایندگان (شورای شهر) برلن غربی، طرحی برای ایجاد یک بنای یادبود برای رزالوکزامبورگ مورد بحث قرار گرفت. نمایندگان حزب دمکرات مسیحی و حزب لیبرال، با خشم فریاد برآوردند "رزالوکزامبورگ مخالف جنگ جهانی اول بود، و می‌گفت آلمانی‌ها باید به جای دیگران یکدیگر را بکشند. او دعوت به پیکار طبقاتی می‌کرد!" آنها با وقاحت، پس از گذشت هفتاد سال نیز همچنان جانب قاتلان رزالوکزامبورگ و کارل لیبکنشت را گرفتند و گفتند: "مسئولیت مرگ ۶۰۰ تن در ژانویه ۱۹۱۹ به عهده این دو (لوکزامبورگ و لیبکنشت) بود."

بورژوازی کینه‌توز، "گناه" انقلابیون را حتی پس از مرگشان، حتی پس از هفتاد سال نیز فراموش نمی‌کند. تاریخ نیز هیچگاه جنایات مهیب بورژوازی و خائنین را فراموش نخواهد کرد و بی‌پایان خواهد گذاشت.

بورژوازی کینه‌توز، فراموش نمی‌کند

کینه با رنگ و لعابی نو حفظ گردد. گوستاو نوسکه خطاب به ابرت گفت: "یک نفر باید نقش سگ درنده را ایفا کند. من حاضرم" و از سوی فریدریش ابرت، نخستین رئیس جمهوری آلمان، عهده‌دار وظیفه سازماندهی سرکوب انقلاب و پیشاهنگ آن، حزب کمونیست نوین‌پاد آلمان شد.

کارل لیبکنشت و رزالوکزامبورگ رهبران "اتحادیه اسپارتاکوس"، هسته اولیه حزب کمونیست و بنیانگذاران حزب، قربانی کارزار خونین بورژوازی علیه انقلاب شدند. ارادل و اوپاش و سربازان مزدور ارتش قیصری که توسط نوسکه وزیر کشور تسلیح و سازماندهی شده بودند، کارل و رزا را به قتل رساندند.

اما کینه بورژوازی از این رهبران انقلاب با قتل فجیع آنها پایان نیافت. هنوز پس از ۶۸ سال، بورژوازی آلمان فراموش نکرده است که کارل لیبکنشت و رزالوکزامبورگ در شرایطی که سوسیال دمکراسی آلمان تسلیم و مقهور شوینیس شده بود، علیه جنگ امپریالیستی بپاخاستند، در سال

سرمایه‌داری را نیز دردم کوبد. اما ابرت، شایدمان، نوسکه و سایر رهبران حزب سوسیال دمکرات، این "پزشکان حادث بر بستر سرمایه‌داری محض" ماموریت یافتند تا کشتی شکسته امپریالیسم آلمان را از ترفان انقلاب نجات دهند. می‌بایست دریایی از خون به راه می‌افتاد تا نظم

۶۸ سال از قتل فجیع کارل لیبکنشت و رزالوکزامبورگ رهبران جنبش انقلابی کارگری آلمان می‌گذرد. این دو بنیانگذار حزب کمونیست آلمان، قربانی بی‌ورش ضد انقلاب شدند که با همدستی رهبران خائن سوسیال دمکراسی صورت گرفت. انقلاب نوامبر ۱۹۱۸، به حیات امپراتوری آلمان پایان داد و می‌رفت تا بنیاد استبداد، یعنی نظم غارتگر



«رسالت»

ویک سوء تفاهم

روزنامه رسالت ارگان طرفداران پروپاقرص اسلام فقهانی-بازاری، از اعتصاب کارگران فرانسه پشتیبانی کرده است. عجب! آذری قمی و توکل‌ی و خزعلی و... مگر نه این است که از اسم کارگر مثل جن از بسم الله می‌ترسند؟ پس چه شده است؟ با اندکی تامل در خبر "رسالت"، علت را دریافتیم. قلم‌زن رسالت ظاهراً خبر مربوط به اعتصاب فرانسه را از منابع انگلیسی زبان ترجمه کرده است، چون در متن همه جا به جای اتحادیه کارگری و سندیکا، سخن از "اتحادیه تجاری" است. "اتحادیه تجاری" ترجمه تحت اللفظی و غلط اصطلاح انگلیسی "تریدینوین" است. رسالت چی‌ها خیال کرده‌اند "اتحادیه‌های تجاری" بازاری‌های محترم فرانسه هستند که به اعتصاب دست زده‌اند! و البته که "همبستگی بین‌المللی" تجار محترم ضروری است، هرچند اعتصاب تجار علیه دولت دوست و برادر ژاک شیراک حتی به عقل ناقص آخوندهای رسالتی هم عجیب به نظر رسد!

شهر و مآثر ایران

در این بن بست

دهانت را می‌بویند
مبادا که گفته باشی دوستت می‌دارم.

دلت را می‌بویند

روزگار غریبی‌ست، نازنین

و عشق را

کنار تیرک راهبند

تازیانه می‌زنند.

عشق را در پستوی خانه نهان باید کرد

در این بن بست کج و پیچ سرما
آتش را

به سوختن سرود و شعر

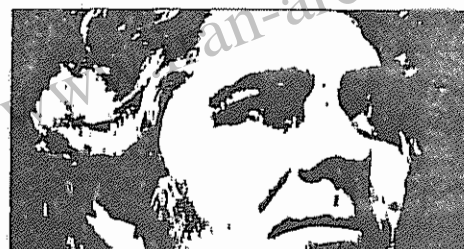
فروزان می‌دارند.

به اندیشیدن خطر مکن.

روزگار غریبی‌ست، نازنین

آن که بر در می‌کوبد شباهنگام
به کشتن چراغ آمده است.

نور را در پستوی خانه نهان باید کرد



آنک، قصابانند

بر گذرگاه‌ها مستقر

با کنده و ساطوری خونالود

روزگار غریبی‌ست، نازنین

و تبسم را بر لب‌ها جراحی می‌کنند

و ترانه را بر دهان.

شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد

کیاب قناری

بر آتش سوسن و یاس

روزگار غریبی‌ست، نازنین

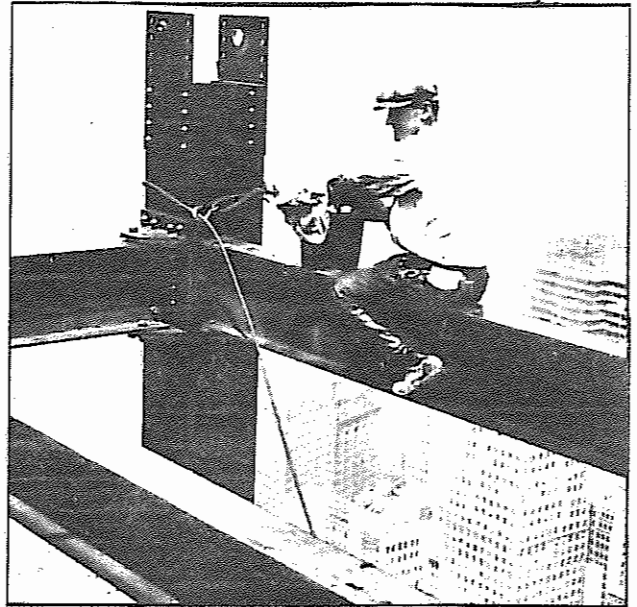
ایلیس پیروز مست

سور عزای ما را بر سفره نشسته است.

خدا را در پستوی خانه نهان باید کرد

احمدشاملو ۳۱ تیر ۵۸

زیبایی کار



چارلز ریورز، عکاس و کارگر ساختمانی آمریکایی، این عکس را از خود گرفته است، قطعه زیر را با الهام از عکس، از کتاب "خانه"، از رمان بزرگ ژان کریستف اثر رومان رولان برگزیده ایم.

* * *

هیچ چیز به اندازه خانه‌ای که کریستف و اولیویه در آن سکنی داشتند مشخص کننده نبود. این خانه یک دنیای خلاصه شده، یک فرانسه کوچک شرافتمند و پرکار بود که هیچ چیز عناصر مختلف آن را به هم پیوند نمی‌داد. یک خانه کهنه و لرزان پنج طبقه که اندکی به پهلو خم شده کف انقاعش زیر پا صدا میداد و سقف‌هایش پوسیده بود. آپارتمان کریستف و اولیویه در زیر شیروانی بود و باران در آن نفوذ میکرد. ناچار چند کارگر آوردند تا شیروانی را خوب یا بد تعمیر کنند؛ کریستف میتوانست بالای سر خود کار کردن و حرف زدن آنها را بشنود. از میان آنها یکی هم مایه تفریحش بود و هم به ستوهش می‌آورد، بی آن که از کار باز ماند، دماغش با خود حرف میزد، میخندید، آواز میخواند، چغنگ می‌کفت، آهنگ‌های چرند سوت میزد، با خود گفت و شنود داشت، تا قبلا نمی‌کفت چه می‌خواهد بکند، نمیتوانست دست به کاری ببرد:

— حالا باز یک میخ میکوبم. ها، افزارم کجاست! یک میخ میکوبم. دو تا میکوبم. باز هم یک چکش میزنم! ها، جانمی، دیگر درست شد... هرگاه که کریستف پیاپی

معنای آموختن کمونیسیم

بقیه از صفحه ۷

وقتی ما اغلب خواه در بین نمایندگان جوانان و خواه در بین برخی از مدافعين شیوه آموزشی جدید می‌شوئیم که به مکتب قدیم حمله میکنند و میکوبند مکتب قدیم مکتب محفوظات طوطی وار است، به آنها میگوئیم که ما باید چیزهای خوب مکتب قدیم را اخذ کنیم. ما نباید از مکتب قدیم اینموضوع را که وی حافظه جوانان را از معلومات بید و حصری می‌انباشت که نه دهم آن زائد و یک دهم آن تحریف شده بود، اخذ نمائیم، ولی این بدان معنی نیست که ما میتوانیم به استنتاجات کمونیستی اکتفا ورزیم و فقط شعارهای کمونیستی را از بر نمائیم. بدینسان نمیتوان کمونیسیم ایجاد کرد. فقط وقتی ما میتوانیم کمونیست باشیم که حافظه خود را با اطلاع از کلیه ثروتهایی که بشر بوجود آورده است غنی سازیم.

ما به محفوظات طوطی ورنیازی نداریم ولی ما باید حافظه هر فرد آموخته‌ای را با مطلع ساختن وی از واقعیات اساسی تکامل دهیم و تکمیل نمائیم زیرا اگر کلیه معلومات مکتسبه در ذهن فرد کمونیست حلجی نشود، آنوقت کمونیسیم پدیده‌ای میان تهی خواهد شد و به تابلوشی بوج بدل خواهد گردید و فرد کمونیست کزافه گوی ساده‌ای بیش نخواهد بود. شانه تنها باید این معلومات را فرا گیرد، بلکه باید آنرا چنان فرا گیرد که با نظر انتقادی به آن بنگرید و مغز خود را با آن و آشغال‌های غیر لازم نیانباشته بلکه آنرا با اطلاع از کلیه واقعیاتی، که انسان تحصیل کرده معاصر بدون آن نمیتواند زندگی کند، غنی سازید. اگر یک فرد کمونیست بخواهد بر اساس نتیجه‌گیری‌هایی که حاضر و آماده بدست وی افتاده است، ولی بدون انجام کار فراوان بسیار جدی و بسیار دشوار و بدون سر در آوردن از واقعیاتی که وی موظف است با نظر انتقادی بدان بنگرد، از کمونیسیم لاف بزند، کار چنین کمونیستی بسیار استنکاف خواهد بود. داشتن یک چنین نظر سطحی بطور قطعی هلاکت‌بار خواهد بود. اگر من بدانم که کم میدانم میکوشم تا بیشتر بدانم، ولی هر آینه کسی ادعا کند که کمونیست است و بهیچگونه معلومات استواری نیایمند نیست از وی هیچ چیزی که شبیه به کمونیست باشد در نخواهد آمد.

ما بجای تادیب قدیم، که در جامعه بورژوازی علی‌رغم اراده اکثریت عملی میشد، انضباط آگاهانه کارگران و دهقانان را قرار میدهیم که کین و نفرت نسبت به جامعه قدیم را با عزم راخ و توانائی و آمادگی برای متحد ساختن و متشکل نمودن قوا جهت این مبارزه توأم میسازند تا از اراده میلیونها و صدها میلیون افراد پراکنده و متفرقی که در سراسر یک کشور عظیم پراکنده هستند یک اراده واحد بوجود آید، زیرا بدون این اراده واحد ما را احتیاج درم خواهند شکست. بدون این اتحاد، بدون این انضباط آگاهانه کارگران و دهقانان، کار ما یاس آور خواهد بود. بدون این امر ما نخواهیم توانست بر سرمایه‌داران و ملاکین تمام جهان غلبه نمائیم. بدون این امر ما حتی بنیان راه مستحکم نخواهیم ساخت، تا چه رسد باینکه بر این بنیان، جامعه نوین کمونیستی را بنانیم. همچنین ما در عین نفی مکتب قدیم و احساس کین و نفرت کاملاً مشروع و ضروری نسبت به این مکتب و ارزش دادن به آن، باید این نکته را درک کنیم که آنچه باید جایگزین تدریس قدیم، محفوظات طوطی‌وار قدیم و تادیب قدیم گردد عبارتست از توانائی مادر اخذ مجموعه معلومات بشری و آنهم اخذ این معلومات بنحوی که کمونیسیم یک چیز از بر شده نبوده، بلکه آفریده فکر خود شما و آن نتیجه‌گیری‌هایی باشد که از نقطه نظر معلومات معاصر جنبه ناگزیر دارد.

چنین است شیوه طرح وظایف اساسی بهنگام بحث در باره وظیفه مربوط به آموختن کمونیسیم

مکتب قدیم خدمتگاران را تهی

هیات نمایندگی زنان فدایی در دوازدهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هندوستان

لی این کنگره دیدارهای دوستانه‌ای با سازمانهای زنان منطقه از جمله پاکستان و افغانستان داشت که در آن مسایل مورد نظر طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفت. هیات نمایندگی شعبه زنان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در این دیدارها، اعضای دیگر هیات‌ها را از رنج و سستی که بر زنان ایران اعمال می‌شود، مقاومت آنان و نیز تأثیرات مخرب جنگ فاجعه‌بار ایران و عراق بر زندگی مادران و کودکان ایرانی آگاه کرد.

نمایندگان شرکت کننده در دوازدهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هندوستان (از سازمانهای زنان کشورهای مختلف) در دو بیانیه مشترک همبستگی قاطعانه خود را با زنان میهن ما اعلام کردند. بیانیه مشترک صادره از سوی مسئولین فدراسیون ملی زنان هند از ایالت‌های بنگال غربی، اندراپرادش، راجستان، پنجاب، دهلی، تامیل نادو، اوتراپرادش - کرالپهار و بمبئی نیز امضا شده است. همچنین دهها زن مبارز دیگر هندی از مشاغل مختلف این بیانیه را امضا نمودند.

نمایندگی زنان فدایی قرائت کردید. در بخش‌هایی از این پیام آمده است: "شما در طول بیش از سی سال مبارزه بیکیفر و خستگی‌ناپذیر توانستید با جلب اعتماد توده زنان بریزه زنان زحمتکش، از فدراسیون سنگری برای دفاع از حقوق زنان و کسب برابری اجتماعی و اقتصادی بسازید... شما در جریان سستی که امروزه بر زنان میهن ما می‌رود قرار دارید. در چنین شرایطی که ابتدایی‌ترین حقوق زنان ایران با مال افکار و عقاید ارتجاعی و کهنه رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی می‌شود، جنبش زنان میهن ما به حمایت و همبستگی خواهران خود در سراسر جهان سخت نیازمند است." در پایان پیام برای کنگره آرزوی موفقیت شد. این پیام با استقبال فراوان حاضرین و شعارهای شورانگیز همبستگی با زنان ایران روبرو گردید. هیات نمایندگی زنان فدایی

آصف علی چهره برجسته جنبش زنان جهان، فرمان ملی هندوستان و برنده جایزه صلح لنین آغاز گشت. خانم آصف علی ضمن اشاره به فعالیت‌های سی‌ساله فدراسیون به نقش آن در مبارزه زنان برای برابری اجتماعی اشاره کرد. سپس خانم ام - میریام دبیر کل فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان سخنرانی کرد. وی ضمن اشاره به نقش زنان برای پیشبرد امر صلح در جهان، از اقدامات صلح‌جویانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی علیه جنگ افروزی‌های امپریالیسم جهانی حمایت کرد.

در فواصل روزهای کنگره پیام‌های هیات‌های نمایندگی کشورهای مختلف قرائت گردید. پیام رفیق رقیه دانشگری که از جمله مدعوین این کنگره بود (و نتوانست در آن شرکت کند) توسط هیئت

بنابه دعوت فدراسیون ملی زنان هندوستان، هیاتی از سوی شعبه زنان سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در دوازدهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هندوستان شرکت نمود. این کنگره که از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ دسامبر (۴ تا ۷ دی) در دهلی نو برگزار گردید بررسی وضعیت زنان در پیکار برای صلح و خلع سلاح و مبارزه آنان برای برابری حقوق در زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را در دستور کار داشت. علاوه بر این کنگره مشکلات زنان هندی و رفع ستم و تبعیضات علیه آنان را مورد بررسی قرار داد. در این کنگره سازمان‌های زنان کشورهای اتحاد شوروی، چکسلواکی، آلمان دمکراتیک، کامبوج، افغانستان، مغولستان، بلغارستان، یوگوسلاوی، نیکاراگوئه، بنگلادش، پاکستان، نپال و ایران شرکت داشتند. کنگره با سخنرانی خانم آرونا

بیانیه مشترک در اعلام محکومیت جنگ ایران و عراق

ما سازمانهای شرکت کننده در دوازدهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هند، نگرانی عمیق خود را نسبت به ادامه جنگ هفت ساله ایران - عراق اعلام می‌داریم. جنگی که تا کنون ۷۰۰ هزار نفر کشته و هزاران نفر مجروح و بی‌خانمان از دو کشور بر جا گذاشته است و علاوه بر آن میلیاردها دلار از ثروت ملی دو کشور را به هدر داده است. زنان و کودکان از قربانیان اصلی این جنگ خانمانسوز می‌باشند. سیاست ارسسال اسلحه به ایران توسط دولت ریگان چیزی نیست جز تشدید ادامه جنگ و ایجاد تشنج در منطقه خلیج فارس، که تهدیدی جدی برای صلح جهانی می‌باشد.

ما پشتیبانی خود را از اقدامات صلح‌جویانه سازمان ملل متحد، جنبش غیر متعهد و سایر نیروهای مترقی جهان برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق اعلام می‌داریم. ما یکبار دیگر خواهان قطع فوری این جنگ خانمانسوز از طریق مذاکره و راه حل سیاسی هستیم.

- ۱ - خانم آرونا آصف علی رئیس فدراسیون ملی زنان هند.
- ۲ - خانم ویمل فاروقی دبیر کل فدراسیون ملی زنان هند.
- ۳ - دبیر کل فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات خانم ام. ماریام.
- ۴ - کمیته زنان شوروی - خانم ام. کراویچینکوا، خانم اف. آپدراکوئیوا.
- ۵ - فدراسیون دمکراتیک زنان جمهوری دمکراتیک آلمان - خانم هلدلیچ میلک.
- ۶ - شورای سراسری زنان افغانستان - خانم مرضیه جهش.
- ۷ - انجمن زنان انقلابی کامبوج - خانم ناشکیم لی.
- ۸ - انجمن دمکراتیک زنان نپال - خانم راد اماناد ارا، خانم پنجوشرما.
- ۹ - شورای زنان بنگلادش - خانم کلیم شاه، خانم بلابئی.
- ۱۰ - انجمن دمکراتیک زنان پاکستان - خانم گلشن، خانم تبسم.
- ۱۱ - دبیر فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات - خانم هانشیک.
- ۱۲ - انجمن دمکراتیک زنان هند.
- ۱۳ - شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت.
- ۱۴ - تشکلات دمکراتیک زنان ایران در هند.

بیانیه مشترک در همبستگی با زنان ایران

ما سازمانهای شرکت کننده در دوازدهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هند، نگرانی عمیق خود را نسبت به سرنوشت مادران، زنان و کودکان ایرانی که قربانیان اصلی جنگ بی‌معنای ایران و عراق هستند اعلام می‌داریم. رژیم خمینی زنان ایرانی را از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی‌شان محروم ساخته است. سرنوشت زنان ایرانی با خطر جدی مواجه است. هزاران زن مبارز ایرانی تحت شکنجه‌های وحشیانه و غیر انسانی در زندانهای جمهوری اسلامی هستند. فعالین تشکلات دمکراتیک زنان ایران، زنان عضو و مراد ار سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت و حزب توده ایران و سایر سازمانهای مترقی و انقلابی، زنده‌اند و با تحت پیگردهای شدید در رژیم جمهوری اسلامی هستند.

ما همبستگی و پشتیبانی عمیق خود را از زنان ایرانی اعلام می‌داریم. ما پیگردها و اعمال جنایتکارانه رژیم قرون وسطایی خمینی را بر علیه زنان ایران محکوم می‌کنیم. ما خواهان لغو همه محدودیتها علیه زنان ایرانی هستیم. ما از کلیه سازمانهای مترقی می‌خواهیم که صدای اعتراض خود را بر علیه پایمال کردن حقوق ابتدایی زنان بوسیله رژیم خمینی بلند نمایند.

- ۱ - خانم آرونا آصف علی رئیس فدراسیون ملی زنان هند.
- ۲ - خانم ویمل فاروقی دبیر کل فدراسیون ملی زنان هند.
- ۳ - دبیر کل فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات خانم ام. ماریام.
- ۴ - کمیته زنان شوروی - خانم ام. کراویچینکوا، خانم اف. آپدراکوئیوا.
- ۵ - فدراسیون دمکراتیک زنان جمهوری دمکراتیک آلمان - خانم هلدلیچ میلک.
- ۶ - شورای سراسری زنان افغانستان - خانم مرضیه جهش.
- ۷ - انجمن زنان انقلابی کامبوج - خانم ناشکیم لی.
- ۸ - انجمن دمکراتیک زنان نپال - خانم راد اماناد ارا، خانم پنجوشرما.
- ۹ - شورای زنان بنگلادش - خانم کلیم شاه، خانم بلابئی.
- ۱۰ - انجمن دمکراتیک زنان پاکستان - خانم گلشن، خانم تبسم.
- ۱۱ - دبیر فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات - خانم هانشیک.
- ۱۲ - انجمن دمکراتیک زنان هند.
- ۱۳ - شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت.
- ۱۴ - تشکلات دمکراتیک زنان ایران در هند.

کنفرانس زنان و کار، صلح و خلع سلاح

کنگره حزب کمونیست کبک خواهان برقراری صلح میان ایران و عراق شد

نهمین کنگره حزب کمونیست کبک (در کانادا) در روزهای ۱۲ تا ۱۴ دسامبر (۲۱ تا ۲۳ آذر) در شهر مونترال برگزار گردید. مهم ترین موضوعات مورد بحث کنگره عبارت بودند از: حزب، مبارزه برای صلح و مبارزه علیه انحصارات. کنگره در بخشی از کار خود به جنگ ایران و عراق نیز پرداخت. در استاد کنگره در قسمت مربوط به مبارزه برای صلح و اوضاع بین المللی در رابطه با ایران گفته شده است: "بیش از یک میلیون نفر در جنگ عراق و ایران کشته شده اند... بیش از دو میلیون نفر بخاطر این جنگ بی خانمان شده اند... طبق درخواست سازمان ملل متحد به این جنگ باید خاتمه داده شود و مسایل مورد اختلاف طرفین از طریق مسالمت آمیز حل و فصل شود."

رفیق ساموئل والش دبیر اول حزب کمونیست کبک در نطق افتتاحیه خود ضمن اشاره به افشای روابط سری آمریکا با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و اهمیت آن یادآور شد: "وقتی که ریگان برای اولین بار مسئولیت معامله سری با رژیم ایران را بعهده گرفت، تاکید کرد که بخاطر اهمیت استراتژیک ایران هدف اصلی آمریکا از این معامله این بود که بتواند روابط خود را با عوامل "میانرو" و "بانهوژ" رژیم گسترش دهد."

دبیر اول حزب کمونیست کبک با تاکید بر "تلاش آمریکا برای گسترش روابط خود با ایران" و "عرضه تسلیحات مدرن به رژیم" توجه شرکت کنندگان در کنگره را به دشمنی کینه توزانه حکومت خمینی و دولت ریگان علیه اتحاد شوروی و افغانستان جلب نمود.

فداییان خلق در کانادا از جمله میهمانان این کنگره بودند که به افشای جوانب گوناگون سیاستهای ضد مردمی و جنگ افروزان جمهوری اسلامی پرداختند و طی دیدار با رهبران حزب کمونیست کبک و هیئت های نمایندگی میهمان، آنها را در جریان پیکار دلیرانه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) علیه ارتجاع حاکم و برای برقراری صلح و دموکراسی در ایران قرار دادند.

اتحاد دمکراتیک زنان آلمان - جمهوری دمکراتیک آلمان

ریاست مجمع ملی زنان بریتانیا سازمان زنان ایتالیا

جنبش دمکراتیک زنان پرتغال زنان برای برابری نژادی و اقتصادی - آمریکا

جنبش ضدمسته ای زنان یونان کارزار خلع سلاح هسته ای بریتانیا شاخه زنان کنگره ملی آفریقا - بریتانیا اتحادیه دمکراتیک زنان عراق - بریتانیا

سازمان زنان مترقی ترکیه - بریتانیا اتحادیه دمکراتیک زنان - برلین غربی

کنفرانس زنان و کار، صلح و خلع سلاح با شعار پیش سوی سال ۲۰۰۰ در دنیایی آزاد و عاری از جنگ به کار خود خاتمه داد.

بازدید کنندگان را برانگیخت. کنفرانس زنان و کار، صلح و خلع سلاح در بخشی از کار خود، جنگ ایران و عراق را تهدیدی علیه صلح جهانی ارزیابی کرد و با ارسال دو نامه اعتراضی به نمایندگی های دولت های ایران و عراق، سیاست ادامه جنگ را محکوم نموده، خواهان قطع فوری آن گردید.

همچنین دبیر گل فدراسیون دمکراتیک جهانی زنان، با امضای طومار اعتراضی زنان فدایی، سیاست ادامه جنگ، رفتار وحشیانه و غیر انسانی رژیم در قبال زندانیان سیاسی زن، سرکوب خشن حقوق فردی، اجتماعی و دمکراتیک زنان و تحمیل قوانین ارتجاعی و ترور وسطایی بر زنان ایران را محکوم نمود. این طومار به امضای بسیاری از شرکت کنندگان رسید که در میان آنها نام نمایندگان سازمانهای زیر به چشم می خورد:

کمیته زنان اتحاد شوروی

در روزهای ۲۹ و ۳۰ نوامبر (۸ و ۹ آذرماه) به دعوت مجمع ملی زنان بریتانیا، زنان فدایی در کنفرانسی که توسط این مجمع و فدراسیون دمکراتیک جهانی زنان در شهر شفیلد تحت شعار "زنان و کار، صلح و خلع سلاح"، برگزار شد، شرکت کردند. در این کنفرانس که با شرکت نمایندگان زنان از ۲۰ کشور جهان برگزار شد، زنان بار دیگر عزم و اراده خویش را برای ادامه مبارزه در جهت حفظ صلح در جهانی آزاد و به دور از دغدغه جنگ به نمایش گذاشتند. در طول کنفرانس زنان فدایی فعالانه به افشای سیاست های جنگ افروزان و سرکوبگرانه رژیم خمینی پرداختند و با پخش اعلامیه، برپایی میز کتاب و همچنین نمایشگاه عکسی که نمایانگر شرایط اسفناک زندگی، کار و تحصیل زنان و کودکان ایران بود، شرکت کنندگان را در جریان اوضاع ایران قرار دادند. نمایشگاه عکس زنان فدایی توجه ویژه

دانمارک: تظاهرات همبستگی با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی شیلی

فدائیان خلق در دانمارک نیز با دهن پیام همبستگی خود به کمیته سالوادور آلنده، حمایت بی دریغ خود را از اعتصابیون زندان های شیلی و از پیکار مردم این کشور برای سرتوئی رژیم ضد خلقی پینوشه اعلام کردند، فدائیان خلق که تنها چند روز قبل از این تظاهرات اعتصاب غذایشان در حمایت از زندانیان سیاسی ایران پایان یافته بود، با شرکت در تظاهرات همبستگی با زندانیان سیاسی شیلی، شکه آرمانهای انترناسیونالیستی خویش را به نمایش گذاشتند.

نمایندگانی از سازمانهای پیشرو کشورهای مختلف شرکت کرده بودند. در این تظاهرات خانم "ترینه یاکویس" از سوی کمیته سالوادور آلنده طی یک سخنرانی کوتاه در مقابل سفارت شیلی، توجه حاضرین را به صدور حکم اعدام برای سه انقلابی اسیر، در یک بیدادگاه نظامی رژیم پینوشه و همچنین احتمال صدور احکام مشابهی در قبال چهارده مبارز دیگر جلب نمود و ضمن اعلام همبستگی با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، خواهان آزادی این مبارزین راه بهروزی مردم شیلی گردید.

در یک ماهه اخیر علاوه بر اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران در شکنجه گاه اوین، انقلابیون اسیر در اسارتگاه های رژیم پینوشه در شیلی و زندانیان سیاسی زندانهای سالوادور نیز دست به اعتصاب غذا زدند. رژیم های خودکامه و ضد مردمی ایران، شیلی و سالوادور که با اعمال بی شرمانه ترین جنایات انزجار عمیق بشریت مترقی را علیه خود برانگیخته اند، هر یک به شیوه خود کوشیدند از بازتاب خیر اعتصاب غذای زندانیان سیاسی، در جهان جلوگیری کرده، آثرا سرکوب کنند. اما خبر این سه اعتصاب موجب حرکات اعتراضی گوناگونی در کشورهای مختلف شد که خود ژرفترین پیوندهای انترناسیونالیستی نیروهای انقلابی را در همکامی با رژیم پیشکامان جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک در ایران، شیلی و سالوادور جلوه گرا ساختند.



صحنه ای از تظاهرات در همبستگی با زندانیان سیاسی شیلی

از جمله این حرکات اعتراضی، تظاهراتی بود که به دعوت کمیته سالوادور آلنده در همبستگی با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی شیلی و مبارزات مردم این کشور علیه رژیم آمریکایی پینوشه برپا شد. در این تظاهرات مبارزین شیلیایی، فدائیان خلق و دانمارکی های مترقی و

ورشکستگی کامل نظام آموزش عالی

هدف رژیم از این طرح که نظام آموزش عالی را هر چه افزونتر بی محتوا و ورشکسته می کند، همانطور که بارها متذکر شده ایم، تنها سیاست جنایتکارانه استفاده از جوانان به منظور "گوشت دم توپ" را دنبال می کند.

لازم به یادآوری است که سیاست جنایت آمیز کشتادن جوانان به جبهه های جنگ، تنها داوطلبان ورود به دانشگاهها را در بر نمی گیرد. رژیم فلسفه وجودی دانشگاهها و موسسات عالی، نیروی انسانی و امکانات آنها تنها در خدمت جنگ می داند. مسئولین آموزش عالی پرسنل و دانشجویان دانشگاهها را نیز به اعزام حداقل شش ماه به جبهه ملزم می سازند. برای کشتادن دانشجویان به جبهه امتیازاتی را طرح می کنند که معنی آنها چیزی جز بی اعتباری کامل نظام آموزش عالی در رژیم فقها نیست. اخیراً وزیر فرهنگ و آموزش عالی طی بخشنامه ای اعلام کرده است که "دانشجو (در صورت اعزام به جبهه) با میل خود می تواند خارج از مهلت مقرر در تقویم دانشگاهی کلیه دروس انتخابی ترم جاری خود را حذف نموده و یا بدون رعایت حداقل واحدهای انتخابی در یک ترم، تعداد واحدهای درسی خود را تا ۶۰ واحد درسی کاهش دهد." یعنی در صورت موافقت دانشجو با رفتن به جبهه، بدون اینکه بیش از نیمی از درسهای دانشگاهی را بگذراند، مدرک فارغ التحصیلی دریافت خواهد کرد!

۶۵/۷/۶، حدود ۷۰ نفر از کارگران و کارمندان اداره راه و ترابری سقز دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به کمبود گازوئیل، کمی دستزد و عدم پرداخت حق اضافه کاری صورت گرفت.

هنگامی که مردم را می بینیم که با چه علاقه ای خیرهای حملات نیروهای پیشمرگه را برای هم نقل می کنند درمی یابیم که چه آتشی در دل آنان شعله وراست. همین آتش است که گلوله ها را شعله ور می سازد و بر قلب مزدوران رژیم می نشاند. این آتش پاینده است. کردستان مقاومت می کند، در برابر سرکوب می ایستد و همواره آرمان نهایی خود را در پیش چشم دارد. کردستان برای خودمختاری می جنگد، برای آزادی می رزمند و در این مسیر همگام با همه خلقها و زحمتکشان ایران و رطبه های هولناک سرکوب و مصیبت را درمی نوردند و در این راه نمونه های کم نظیری از فداکاری، بیگیری و شجاعت را در تاریخ مبارزات خلقهای ایران می نگارند. ادامه دارد

بقیه از صفحه آخر
خمینی است. رژیم که از اشتیاق جوانان میهنمان به تحصیلات عالی مطلع است و می داند که بیش از نیم میلیون فارغ التحصیل آموزش متوسطه در سال، هرگونه فشار، بیکاری، آوارگی و تشییقات را نسبت به رفتن به جبهه جنگ را ترجیح می دهند، به منظور قربانی کردن آنان در آتش جنگ خانمانسوز، به طرح این توطئه ها می پردازد و سیاست هر چه بی محتوا کردن نظام آموزش عالی را در پیش می گیرد. بر پایه مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، در کنکور سراسری سال ۶۵ وزارت فرهنگ و آموزش عالی موافق شد که "برای داوطلبانی که علاقمندی خود را جهت شرکت در جبهه های جنگ اعلام کنند، سهمیه جدیدی برای راهیابی به دانشگاهها با شانس قبولی بیشتر نسبت به شانس قبولی شرکت کنندگان سایر مناطق در نظر گرفته شود".

در پی مصوبه فوق از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سپاه پاسداران در "مهاجنگی لازم" با وزارت فرهنگ و آموزش عالی، اطلاعیه استفاده از سهمیه جدید رزمندگان و اعطای امتیاز به داوطلبین اعزام به جبهه را صادر کرد که بر پایه آن مرد داوطلبی که تعهد حضور حداقل سه ماه در جبهه می داد به دانشگاه راه می یافت. اکنون در صورت تحقق افزایش ظرفیت دانشگاهها به میزان بیشتر از ۵ برابر، قابل پیش بینی است که تنها و تنها "رامهیان گر بلا" در صورت بازگشت از جبهه های آتش و خون به دانشگاههای بی اعتبار آخوندها راه خواهند یافت.

کردستان: سوز زمین

بقیه از صفحه ۹

در شهرها شعارنویسی بر دیوارها از سوی نیروهای انقلابی امری عادی است. دستیابی به اعلامیه ها و نشریات انقلابی نیز کار مشکلی نیست. شعارنویسی بر دیوارها در روستاها نیز دیده می شود. در روستای قبدان نواز توابع سقز بر روی پایگاه پاسداران به کرات شعار مرگ بر خمینی نوشته شده است. مردم در برابر واکنش های فرمانده این پایگاه حرف محکمی داشتند. شعارهایی که شا به نفع خودتان می نویسید، بچه های ما را تحریک می کند و باعث می شود که آنها شعارهای شما را پاک کنند و به جایش مرگ بر خمینی بنویسند. فرمانده پایگاه در برابر این استدلال روشن مجبور شد بپذیرد که فقط به نوشتن شعارهای عادی مذهبی بسنده کند و دیوارها را به اسم خمینی نیالاید.

در شهرهای کردستان علیرغم سرکوب خشن، مبارزات صنفی روند بی وقفه ای داشته اند. در تاریخ



از رنج «صبی ها»

نام "صابئین" یا به اصطلاح مردم محلی "صبی ها" تداعی سهمگین ترین ستم قومی - مذهبی است. عدم برخورداری از ابتدایی ترین حقوق شهروندی و تحقیر مذهبی، و در کنار آن بیکاری، آوارگی، گرسنگی و... رنج دائم و توان فرسای آنها در میهن ستمدیده ماست.

"صابئین" نام یک اقلیت قومی - مذهبی در استان خوزستان است که امروز بنام "صبی" و یا "صبه" نامیده می شوند. منشا آن ها به قرن اول مسیحی برمی گردد که در بین النهرین و خوزستان زندگی می کردند. در آنجا با وجود اینکه عقاید و رسوم اصلی آنان تحت تاثیر و نفوذ ادیان بابلی و زردشتی قرار گرفت، با این همه، آنان تا امروز اساسی ترین عناصر عقاید قومی و مذهبی خود را حفظ کرده اند. این اقلیت همچنین "مندا ئیان" یا "ماندایی" نیز نامیده شده اند. زبان آنها "آرامیک" یا "ماندایی" از اقسام زبان سریانی می باشد. اکنون در میهن ما، در حدود ۵۰۰ نفر از این اقلیت، تحت شرایط استبداد سهمگین مذهبی، در وضعیت بغایت دردناکی زندگی می کنند. گروهی دیگر از "صبی ها" در کشور عراق زندگی می کنند.

اسلامی فرستادند، اما هر بار با انکار مبتلق حقوق ملی و مذهبی خود مواجه شدند. با غلبه استبداد سیاه مذهبی، رژیم در کنار انکار مطلق حقوق قومی - مذهبی "صبی ها"، حتی حق کار را نیز از آنان گرفت. بطوریکه کارگران "صبی" بعد از انقلاب نه تنها جذب کار نشدند، که کار سابق خود را نیز، تحت فشار ناشی از توهین و تحقیر مسئولین حزب الهی و تحریکات آنان از دست دادند و به دست فروشان دوره گرد تبدیل شدند. با شروع جنگ، روزگار "صبی ها" به مراتب فلاکت بارتر شد. آنها مثل اکثر زحمتکشان خوزستان، خانه و کاشانه محقر خود را از دست داده و آواره تر از پیش گشتند. رژیم خورشیز خمینی که قبلاً به "صبی ها" همچون انسانهای طرد شده می نگریست، این بار پیشاپیش حق قربانی شدن در جبهه های جنگ را به جوانان این قوم اعطا کرد. اکنون عده قابل توجهی از خانواده ها و جوانان "صبی" مثل دیگر هم میهنان خوزستانی بخاطر شرایط جنگی، ناگزیر به مهاجرت به دیگر نقاط کشور شده اند. پراکنده شدن اجباری صابئین حفظ و انجام سنن قومی آنها را بغایت دشوار کرده است.

صابئین علیرغم جمعیت اندک، همانند دیگر اقوام ساکن میهن، در جهت دستیابی به حقوق خویش علیه رژیم سرکوبگر و ضد خلقی خمینی بیکیفرانه مبارزه کرده اند. به همین خاطر هم اکنون عده ای از جوانان آنها در سیماچالهای رژیم به بند کشیده شده اند و کسانی نیز مجبور به ترک میهن گشته اند.

رنجی که مردم ایران در رژیم قرون وسطایی ولایت فقیه می کنند، رنجی توان فرسای صابئین سابقه است. رنج اقلیت های ملی - مذهبی، در شرایط استبداد سیاه مذهبی، رنجی چندگانه است. ستمی که "صبی ها" می کنند، چلوه ای از ستم سهمگینی است که بر تمام اقلیت های ملی - مذهبی در میهن ستمدیده ماست.

قبل از انقلاب اکثر "صبی ها" در کارخانجات خوزستان به کارگری اشتغال داشتند. با شروع انقلاب ایران "صبی ها" و به ویژه جوانان آنها، بمنظور کسب حقوق قومی - مذهبی خود، در کنار مبارزات طبقاتی کارگران خوزستان بطور فعال و پر شوری به مبارزه بر علیه رژیم مزدور شاه روی می آوردند. با کوشش جوانان صبی، قبل از انقلاب تشکلی بنام "مجمع جوانان" بوجود آمد که همه جوانان این اقلیت را در بر می گرفت. هدف این مجمع در وهله اول مبارزه برای رسی کردن دین و آزادی اجرای مراسم مذهبی آنها بود. بعد از انقلاب، آنان چندین بار نمایندگان پیش مسئولین جمهوری

هزار ضد انقلابی افغانی تسلیم شدند

کناره گیری

دبیر کل حزب کمونیست چین

جمعه شب گذشته تلویزیون پکن گزارش داد هویائو بانگ دبیر کل حزب کمونیست چین از مقام خود کناره گرفته و دفتر سیاسی کمیته مرکزی، زائو زیانگ نخست وزیر چین را مامور اجرای وظایف دبیر کل حزب کرده است. به گزارش تلویزیون چین، هویائو بانگ در نشست دفتر سیاسی از خود به خاطر کوتاهی در رعایت انضباط حزبی و اجرای تصمیمات رهبری حزب انتقاد کرد.



زائو زیانگ



هویائو بانگ

اخبار کوتاه

* "حزب سوسیالیست اتریش" و "حزب مردم اتریش" (که یک حزب محافظه کار است) برای تشکیل دولت جدید ائتلاف کردند. صدراعظم دولت جدید کماکان فرانتس ورائیتسکی از حزب سوسیالیست خواهد بود. محافظه کاران هشت وزیر و سوسیالیستها نیز هشت وزیر در کابینه خواهند داشت. پروتوکرسیکی صدراعظم اسبق اتریش به نشانه اعتراض به احراز مقام وزارت خارجه از سوی رهبر محافظه کاران از کلبه سمت‌های خود در حزب سوسیالیست کناره گرفت.

* رابرت مک فارلین مشاور امنیتی اسبق ریگان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ان بی سی اعتراف کرد اظهارات قبلی اش دایر بر اینکه رئیس جمهور آمریکا در سپتامبر ۱۹۸۵ از تحویل سلاح توسط اسرائیل به جمهوری اسلامی مطلع شد، دروغ بوده است و ریگان از آغاز در جریان این معاملات بوده و اجازه آن را صادر کرد. مک فارلین افزود این دروغ را برای مصون نگه داشتن ریگان از اتهامات گفته بود.

* پنجشنبه گذشته بیش از یک میلیون تن از کارکنان کارخانجات و موسسات دولتی و خصوصی در یونان در اعتراض به "صرفه جویی"های دولت پایان‌درو که به ضرر زحمتکشان تمام می‌شود، دست از کار کشیدند. اعتصاب عمومی در یونان با تظاهرات گسترده در آتن همراه بود.

* قانون اساسی نیکاراگوئه با امضای دانیل اورتگا رئیس جمهور این کشور رسمیت یافت. طرح قانون اساسی نیکاراگوئه توسط یک کمیسیون ویژه پارلمانی تهیه شد و سپس در مجلس ملی این کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در قانون اساسی نیکاراگوئه حق داشتن کار، مسکن و تامین اجتماعی برای همه مردم تضمین شده و نظام چند حزبی این کشور قانونیت یافته است.

مفت‌خانه مزیور، از نفوذ این گروه‌ها کاسته خواهد شد. دولت افغانستان مشغول اجرای تدارکاتی برای بازگشت آوارگان افغانی از پاکستان و ایران است. به گزارش مطبوعات غرب، ارگانهای مختلف دولتی افغانستان دستورهایی در این مورد از سوی رهبری کشور دریافت داشته اند.

دکتر نجیب دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان پنج شنبه گذشته در کنگره جبهه ملی پدر وطن اعلام کرد افغانستان و اتحاد شوروی به توافق دست یافته‌اند که راه فراخواندن کامل نیروهای شوروی از افغانستان را هموار می‌سازد. نجیب همچنین تصمیم رهبری افغانستان مبنی بر عفو زندانیان و عفو نظامیان فراری از خدمت را اعلام نمود. عفو، شامل زندانیان زیر ۱۸ سال، زنان زندانی و زندانیان با محکومیت تا ۵ سال می‌گردد.

رهبر افغانستان تاکید کرد آنهایی که از جنگ اعلان نشده علیه افغانستان پشتیبانی می‌کنند باید بدانند در صورت ادامه تجاوز، اتحاد شوروی افغانستان را تنها نخواهد گذاشت.

دبیر کل حزب دمکراتیک خلق افغانستان در مورد آوارگانی که از خارج به کشور باز می‌گردند اعلام کرد از این عده، جوانان ۶ ماه از خدمت زیر پرچم معاف خواهند بود، کسبه و کشاورزان موظف به پرداخت مالیات معوقه نخواهند بود و معلمین، پزشکان و کارمندان شاغل پیشین خود را احراز خواهند کرد.

دولت افغانستان برای مهاجرینی که باز می‌گردند مسکن، مدرسه و بیمارستان خواهد ساخت.

حدود ۱۰۰۰ تن از اعضای مسلح یک گروه ضد انقلابی افغانی که در استان هرات فعالیت داشتند، دست از مبارزه مسلحانه کشیده و سلاحهای خود را به زمین گذاشتند. به گزارش خبرنگاری افغانی باختر رهبران این گروه در پاسخ به فراخوان حزب دمکراتیک خلق افغانستان و تصمیمات کمیسیون عالی فوق‌العاده برای آشتی ملی با مقامات دولتی تماس گرفته و موافقت نامه صلح منعقد کردند. سید احمد فرمانده این دسته در تلویزیون افغانستان گفت: "ما از جنگ خسته شده ایم و دیگر نمی‌خواهیم به برادر کشتی ادامه دهیم."

همچنین اعضای یک گروه مسلح دیگر در استان جوزجان اعلام کردند به روند آشتی ملی خواهند پیوست.

خبرگزاری باختر گزارش داد در استانهای مختلف افغانستان تشکیل کمیسیونهای آشتی ملی ادامه دارد. این کمیسیونها در نخستین نشست خود، رئیس کمیسیون را برگزیده نحوه عملکرد خود را در آینده مشخص می‌کنند. پنج شنبه گذشته آتش بس اعلام شده از سوی دولت افغانستان آغاز گردید و به شرطی که طرف مقابل به آن بپیوندد، قرار است تا ۲۴ تیرماه ۱۳۶۶ ادامه یابد.

دوشنبه ۲۲ دیماه در پشاور پاکستان رهبران "اتحاد اسلامی مجاهدین افغانی" که ائتلاف گروههای ضد انقلابی است، تشکیل جلسه دادند تا در باره پاسخ به فراخوان آشتی ملی رهبری افغانستان تصمیم بگیرند. ناظران سیاسی اظهار عقیده کرده‌اند در صورت رد شدن این فراخوان از سوی ائتلاف

پهروزی نسبی کارگران فرانسه

پاریس نیز موافقت نمود. هفته گذشته همزمان با مذاکرات نمایندگان دولت و کارگران، اعتصاب در بسیاری از مناطق فرانسه ادامه یافت. تا اواسط هفته، رفت و آمد وسایط نقلیه در پاریس همچنان مختل بود. تنها نیمی از اتوبوسها رفت و آمد می‌کردند و کارمترولیز باوقفه همراه بود.

بدنبال چهار هفته اعتصاب، کارگران راه آهن فرانسه علیرغم فشار شدید تبلیغاتی و سرکوبگرانه دولت دست راستی ژاک شیراک به یک پهروزی نسبی دست یافتند. سه شنبه گذشته دولت پاریس با افزایش دستمزد رانندگان لوکوموتیوها به میزان سه درصد موافقت کرد. علاوه بر این، سایر امتیازات نیز افزایش خواهد یافت و شرایط کار آنها اصلاح خواهد گردید. دولت با خواسته‌های مشابه رانندگان متروی

آغاز دوره هفتم مذاکرات خلع سلاح ژنو

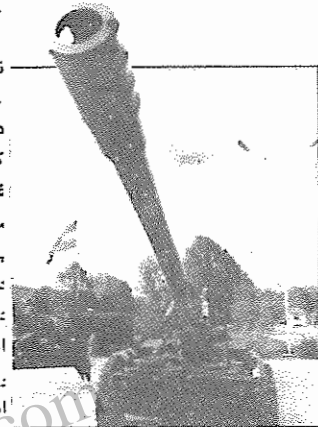
سلاحهای هسته ای را تسهیل نماید. اتحساد شوروی در آغاز سال جدید میلادی اعلام کرد تازمانی که ایالات متحده آزمایش اتمی بعدی، خود را انجام نداده است، اتحاد شوروی نیز از آزمایش سلاحهای هسته ای خودداری خواهد کرد. این پنجمین تمدید موراتوریوم یکجانبه اتحاد شوروی است که از بیش از هفتده ماه پیش برقرار است. روزنامه شوروی پرآوا خاطر نشان ساخت برنامه ۱۵ ژانویه ۱۹۸۶ اتحاد شوروی برای محور سلاحهای نابودی جمعی تا سال ۲۰۰۰ همچنان به قوت خود باقی است.

پنج شنبه ۱۵ ژانویه در ژنو هفتمین دور مذاکرات اتحاد شوروی و آمریکا برای محدود کردن سلاحهای اتمی و جلوگیری از گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضا آغاز شد. ریاست هیئت شوروی برعهده یولی ورونوتسوف معاون اول وزیر امور خارجه است که هفته گذشته انتصاب وی به این سمت اعلام گردید. سخنگوی وزارت خارجه شوروی سه شنبه گذشته در یک کنفرانس مطبوعاتی در مسکو گفت کشور امیدوار است سطح جدید و ارتقا یافته ریاست هیئت نمایندگی، توافقیهای ریکاپویک را تحقق بخشیده پیشرفت به سوی جهانی عاری از

فروش ۱/۲ میلیارد دلار اسلحه اتریشی به رژیم خمینی

ژنرال سابق اتریشی بنام "آیفالتر" حدود ۸۰۰ میلیون شیلینگ (۶۰ میلیون دلار) به واسطه‌های این معامله پرداخت.

رقم عظیم پرداختی رژیم بابت توپهای اتریشی نشان می‌دهد انحصارات تسلیحاتی اتریش از سالها پیش از منابع اصلی تامین کننده نیازهای جنتی رژیم فقها بوده‌اند. در حقیقت رژیم خمینی تنها بابت خرید توپ یکجا حدود ۱۰ درصد کل درآمد ارزی یک ساله کشور را به کیسه غارتگران سوداگر مرگ ریخته است. از بدو انتشار اخباری درباره این معامله، ادستانی شهر لپنتس اتریش از سوی دولت محافظ حاکم در این کشور تحت فشار



اخیرا در اتریش جزئیات معامله تسلیحاتی عظیم شرکت "فوست" با رژیم خمینی فاش شد. ما در شماره ۱۰۸ "اکثریت" (۵ خرداد ۱۳۶۵) در گزارشی تحت عنوان "وقتی توپها، اتریشی برای خمینی به صدا در می‌آیند" خبر از این معامله دادیم. در آن هنگام، هم شرکت فروشنده اتریشی و هم کبارش کاردار جمهوری اسلامی در وین، وقوع این معامله را تکذیب کردند، اما شواهد عمده حاکی از آن بود که اخبار منتشره در این باره، صحت دارد. ما نوشتیم: "فروش اسلحه به رژیم خمینی از سوی شرکت فوست انکارناپذیر است." هم اکنون اعتراف گرونت برشرن رئیس دستگیر شده یکی از شعب

شرکت فوست، برده از جزئیات معامله این شرکت با جمهوری اسلامی برداشته است. آنچه در این اعترافات از اهمیت چشمگیر برخوردار است، حجم بسیار زیاد سلاحهایی است که مورد معامله قرار گرفته است. برشرن در مصاحبه با ماهنامه "باستا" این نکات را فاش کرد:

* در ۱۷ مارس ۱۹۸۵ شرکت نیوریکوم از شعب شرکت فوست قراردادی با جمهوری اسلامی امضا کرد و متعهد شد ظرف سه سال جمعاً ۲۰۰ توپ "تک - ها - ان - ۴۵" و ۲۰۰ کانتینر حاروی گلوله‌های توپ به ایران تحویل دهد.

* رژیم خمینی با پرداخت ۱۶ میلیارد شیلینگ (۱/۲ میلیارد دلار) بابت این سلاحها موافقت کرد. بدین ترتیب شرکت فوست سودی معادل ۶ میلیارد شیلینگ (۴۵۰ میلیون دلار) کسب نمود، یعنی ۶۰ درصد بهای توپها!

* در آغاز قرارداد بود معامله اسلحه از طریق یک دلال نفتی انجام گیرد، اما در آوریل ۱۹۸۵ ایران متعهد گردید که پول را از طریق حساب شرکت فوست در "اوتیون بانک" سوئیس پرداخت کند. در ماه مه ۱۹۸۵، شرکت فوست به درخواست

نیویورک تایمز:

آمریکابادادن اطلاعات غلط نظامی به ایران و عراق، جنگ را طولانی کرده است

تحولات جنگ در جهت طولانی‌تر شدن جنگ بود. از سوی دیگر برخی عکسهای ماهواره‌ای که عراق از آمریکا دریافت می‌کرد نیز دستکاری شده بود تا "اطلاعات" مطلوب سیا به دست رژیم بغداد برسد.

در مقاله نیویورک تایمز همچنین آمده است: ایالات متحده اسنادی ساختگی در باره به اصطلاح "نفوذ عوامل شوروی به سازمانهای کمونیستی ایرانی" در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته است.

پس از انتشار افشاکری نیویورک تایمز، لاری اسپیکس سخنگوی کاخ سفید از تایید یا تکذیب محتوای آن خودداری کرد و گفت: "چنین اطلاعاتی به دست من نرسیده است." این سخنان به معنای تایید ضمنی گزارش نیویورک تایمز است.

مقاله نیویورک تایمز، تاییدی دیگر بر این ارزیابی است که جنگی که خمینی بر لعل آن می‌کوبد و با جنونی جنایتکارانه ادامه‌اش می‌دهد، جز در خدمت امپریالیسم آمریکا نیست. "امدادهای غیبی" سیا نیز در جهت طولانی‌تر کردن جنگ و شعله‌ور کردن هر چه بیشتر آتش آن بوده است.

روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز هفته گذشته به نقل از منابع سرویسهای اطلاعاتی ایالات متحده نوشت آمریکا هم به ایران و هم به عراق اطلاعات غلط نظامی داده است تا جنگ ایران و عراق را هر چه طولانی‌تر کند.

پیش از این خبر تحویل عکسهای ماهواره‌های آمریکایی به عراق که اطلاعات حساسی برای حمله به مراکز صنعتی و نظامی ایران در برداشت، منتشر شده بود. به گزارش نیویورک تایمز، اطلاعات نظامی از جانب سازمانهای جاسوسی آمریکا در اختیار جمهوری اسلامی نیز قرار گرفته است. آمریکا به دو کشور درگیر جنگ آمیخته‌ای از اطلاعات نظامی درست و نادرست داده است، به گونه‌ای که موقعیت "پات" در جنگ حفظ شود و دو طرف هر چه بیشتر به نیروهای یکدیگر و به ثروت‌های ایران و عراق لطمه وارد آورند. از جمله، واشنگتن اسنادی ساختگی به دست رژیم خمینی رساند که حاکی از تمرکز ادعایی نیروهای نظامی اتحاد شوروی در مرزهای با ایران بود. هدف از این اقدام، تحت تاثیر گرفتن نقل و انتقالات نظامی و

ورشکستگی کامل نظام آموزش عالی

۴۲ هزار نفر می‌توانستند به دانشگاهها و مدارس عالی راه یابند. اکنون بر پایه خبر فوق، در سال آتی میزان افزایش ظرفیت رشته‌های تحصیلی دانشگاهها غیر از دانشکده‌های پزشکی بیشتر از ۵۰٪ برابر خواهد شد.

طرح افزایش سقف ظرفیت دانشگاهها از سوی رژیم، با توجه به توضیحاتی که قبلاً مسئولین امر در مورد اهداف آن داده‌اند، تنها یک هدف جنایت‌بار را دنبال می‌کند و آن کشاندن هر چه وسیعتر جوانان به جبهه‌های بی‌بازگشت جنگ جهانی بقیه در صفحه ۱۴

مسعود زنجانی وزیر برنامه و بودجه، در هفته گذشته اعلام کرد: "در آموزش عالی حدوداً در سال ۶۶ پیش بینی ۲۴۰ هزار دانشجو می‌شود که البته این غیر از دوره دانشکده‌های پزشکی است." همانطور که در شماره‌های پیشین نشریه "اکثریت" منعکس کردیم، پیش از این نیز وزارت فرهنگ و آموزش عالی در جریان کنکور سراسری دانشگاهها در سال ۶۵، خبر از افزایش سقف ظرفیت رشته‌های تحصیلی دانشگاهها داده و میزان آنرا ۱/۵ برابر ظرفیت موجود اعلام کرده بود. در کنکور سراسری سال ۶۵ بر پایه آمار منتشره از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، از بین ۵۸۰ هزار شرکت کننده در کنکور تنها

زیسادی قرار گرفت تا ماجرا را دنبال نکند. هم اکنون نیز روزنامه فولکس اشتیمه ارگان حزب کمونیست اتریش این ظن را ابراز نموده است که در شرایطی که دولت ریگان به خاطر فروش اسلحه به جمهوری اسلامی به آماج انتقادات شدید افکار عمومی غرب تبدیل شده است، محتمل است افشاکریهای اخیر درباره معامله فوست - جمهوری اسلامی، آن هم پس از دو سال که از این معامله می‌گذرد، باهدف کاستن از ابعاد فشار به دولت آمریکا صورت می‌گیرد.

انتکیزه فاش شدن جزئیات معامله عظیم تسلیحاتی اتریش و جمهوری اسلامی هر چه باشد، در حال برده از یک خاصه خرجی هفتگت رژیم فقها برای ادامه جنایتکارانه جنگ برداشته شد. اما این، تنه‌امشی از خروار است. آنچه برملا شده، همه معاملات تسلیحاتی رژیم با کشورهای امپریالیستی و سوداگران مرگ نیست. بدون تردید در آینده نیز باز هم انتکیزه‌های گوناگون - چه رقابت میان جناحهای امپریالیستی و شرکت های اسلحه‌سازی و چه هر انتکیزه دیگر - بند و بست‌ها و معاملات بیشتری را آشکار خواهد کرد.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

AKSARIYAT
NO. 141
MONDAY JAN 19 87
Address: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY